

و تقسیمات يك اردو در فوق بیان شده ، لذا مناسب است دولت عالیة ایران پنج اردو را دارا باشد و ممالک محروسه به پنج دائرة اردو منقسم گردد (نظر بوضعیت جغرافیای ممالک پنج اردو کافی است که از قرار ذیل باشد)

- نخست - اردوی آذربایجان و حواری آن
- دوم - اردوی عراق مازندران و گیلان
- سیم - اردوی خراسان و محال آن
- چهارم - اردوی کرمان و بلوچستان
- پنجم - اردوی فارس

۶ - معاملات که قبل از کشیدن قرعه

(ایجاب مینماید دفتر موجود و معاينة اولی)

اول هر سال مأمورین نفوس بلوکات (اگر نیست باید تعیین شود) تمام حواریان بیست ساله را که آسال مکلف خواهند شد اسم و شهرت و محل تولد و محل سکنا و عمده خانۀ شان را در دفتری نوشته و بأمور بزرگ نفوس که در مرکز هر ایالت خواهد بود ارسال مبدارند ، آسم بالای ولایت داده و ولی هم بحضور سرداران اردو میفرستند ، سپس این دفاتر بوزارت داخله تقدیم می شود ، و بر داخله تمام دفاتر بیکه ز محال مختلفه آمده است بوزارت جنگ خواهد فرستاد ، و دو وزارت جنگ بتراساسی افراد مذکور بدفاتر جداگانه مکه مخصوص هر اردو است نظر به محل سکناي آنها قید و ضبط نموده ، و هر دائرة اردو دفتر آن اردو ارسال میشود ، رکان حرب هر اردو که در مرکز آن ار و است نیز به دفاتر مذکوره مراجعت نموده اسامی مندرج را بدفاتر جدولی که براساس شعبه اخذ عسکر احضار شده است نظر بمحل سکناي افراد قید خواهند نمود ، و این دفاتر بیکه موجودی مکلفین هر دائرة فوج را ارائه مینماید دفتر موجود نسبه مینمایند

دفاتر موجود از مراکز هر اردو بتوسط دفتر خانهای اخذ عسکر به نزد سرهنگان افواج ردیف که رئیس شعبه اخذ عسکرند فرستاده میشود ، همینکه سرهنگ دفتر مذکور را اخذ نمود با آجودان طاور که سرهنگ دوم است و لشکر نویس معا برای زیارت و معاينة دائرة فوج خود عزیمت مینماید (قبل المزیمه آرزوی

زیارت خود را بواسطه مأمورین ملکی باعالی اعلان خواهند نمود ، که در انشای معاينه و سرکشی بالهام در محال خود آبات وجود مینماید) همینکه هر دائرة جوقه مواصات نمود سلطان جوقه را و نائب اول آن جوقه را همراه گرفته و امر معاينه را شروع مینمایند

مثلاً هر قریه که میسر هر قدر اشخاص بیست ساله که بموجب دفتر موجوده باید در آن قریه موجود باشند موجودین را یکی یکی از نظر گذرانده تمام کیفیاتشانرا تحقیق و ناموجود بران نیز چگونگی حالانشان را از اقارب و اولیای شان سؤال نموده و تحقیقات و تقیصات و مشهودات خود را تماماً بدفتر محاسی اسامی هر يك شرح میدهد ، و اگر اشخاص بیست ساله از قلم افتاده هم باشد که مأمور نفوس کتم نموده و یا نوشته باشد آنها را هم علاوه نموده و تمام دائرة فوج خود را بدین قسم سرکشی مینماید ، همینکه تماماً محاط رسید دفتر موجودی را تختیم و دو صورت اورا برداشته بدفتر خانۀ اخذ عسکر ارسال مینماید ، که یکی را نگاه داشته و دیگری را پس از تصدیق مرکز اردو ارسال دارند ، اصل را هم در شعبه اخذ عسکر نگاه میدارند

دفتر تقسیم و تخصیص

هر سال صاحب منصبان بزرگ ره ژباها ترتیب نظامی ره ژباها خود را و مبدار افراد مستندله را که با صور متنوعه افکاک خواهند نمود و چه قدر افراد جدیده لازم خواهد بود بانجام در دفتری ثبت نموده و بقاعده سلسله مراتب به نزد سردار اردوی خود ارسال مینمایند ، دائرة ارکان حرب باین دفاتر بیکه از طرف امراء ره ژباها آمده است و بصورت دفاتر موجودی که از دفترخانه اخذ عسکر ورود نموده پس از مراجعت برای انعام نمودن ترتیب نظامی قطعات مختلفه افراد جدیده که مقصی است مقدارش را تعیین و محض استحصال آف از هر دائرة فوج نسبتاً چه قدر افراد که باید گرفته شود مقدار اورا میر ، دفتری باسم (دفتر تخصیص) تنظیم نموده ، و افراد جدیده هر فوج بکدام قطعات عسکر بیکه باید داده شود نیز دفتری بنام (دفتر تقسیم) ترتیب داده ، و صورت این دو دفتر را یعنی دفاتر تقسیم و تخصیص را بوزارت جنگ میفرستند وزارت جنگ نیز دفاتر مذکور را پس از تصدیق

دفتری که افراد لازمه مبتدی، را و افراد را که آسال داخل سن مکلفیت میشوند ناطق باشد تنظیم، و دفتر تقسیم و تخصیص را نیز تفصیح نموده به پارلمان ارائه میدهد، در مجلس شورای ملی نیز کمیته تدقیق گردیده و عندالاجاب با وزارت جنگ نیز مخاره شده و قرار میدهند، سپس کیفیت و قرار بمجلس سزا رفته از آنجا نیز پس از مذاکره و تصدیق بیارلمان بر میگردد، و از پارلمان بوزارت داخله ارسال میشود که اجرای معاملات نمایند، و بوزارت جنگ نیز اطلاع میدهند، از طرف وزارت داخله نیز (۲۲۰) عدد فرمان که هر يك مفدار افراد را که هر دایره فوج باید بدهد بموجب دفتر تقسیم تحریر بوزارت جنگ تقدیم میشود، وزارت جنگ فرمهای مذکور را بار دو های بجاگاه هر يك شصت و چهار عدد ارسال میدارد، و بعضی معاونت نمودن با اجرای معاملات فرعه ~~کشی~~ نیز از طرف وزارت داخله بامورین ملکی اوامر داده میشود.

معاینه انتهایی

ارکان حرب اردو وقتیکه فرمهای مذکور را اخذ نمودند دفتر موجودی و دفتر مخصوص هر فوج را با فرمان آنفوج اعماً بواسطه ره زبان ها به افواج ردیف ارسال میدارد و علیحده بقطعات موظفه از کجا چه قدر نفرات مبتدی باید بگیرند نیز محرراً معلومات میدهند، بوصول فرمان رئیس شعبه اخذ عسکر بامامور بزرگ ملکی دائره ~~مورد~~ مخاره نموده و تشکیل مجلس اخذ عسکر را قرار میدهد، و بتوسط مأمور ملکی مذکور بکدخدایان ده جهت احضار تمام اشخاص بیست ساله بمجلس اخذ عسکر که در مرکز فوج است (آنها بیکه موجودند خود و ناموجودین وکیل شان باید بیایند) اوامر و تنبیهات میدهد، سپس مجلس اخذ عسکر در نخت ریاست حاکم بلده و یا مأمور بزرگ ملکی و بطارت سرهنگ فوج تشکیل می باید

اعضا عبارت از هیئت اخذ عسکر ~~که~~ نائب سرهنگ و يك كاتب فوج است، و اعیان و اشراف آنجا و علماء و مشایخ و مأمورین ملکی و مأمور نفوس بلوك (که باید دفتر نفوس را همراه داشته باشد تشکیل میشود، و اگر مفار قانون و حقایق خطائی بوقوع پیوندد بالتمام این اشخاص در مسئولیت مشترك

خواهند بود

حاصل همینکه افراد مکلف نیز بمجلس احضار گردیدند دفتر موجودی را گشوده اسامی را یکی یکی علناً قرائت مینماید، هر که اسمش ذکر میشود پیش آمده او را از نظر مکنند، ضمناً هم اگر از اسباب استثنایه حالی در داراست (مثل مسلك و و اأموریت و احوال صحه و بی معافی) بریده نتیجه را مقابل اسمش در دفتر موجودی شرح میدهند، و برای معاینه اگر حکیم عسکری مه خود نباشد حکیم ملکی آنها را معاینه خواهد نمود، و آنها بیکه اسم شان ذکر میشود و خود نیامده اند، اسباب نیامدن شان تحقیق شده آنها را هم شرح میدهند، چون موجودین خود بنفسه و ناموجودین وکیل شان که عبارت از بدرو بایکی از اقاربشان باشد نمره شان را باید بکشند، لذا اگر در میان افراد کسی خود نیاید و ~~وکیل~~ هم نرسیده او را فراری اعتبار مینمایند، و بعد معاینه افراد مرصوه در حق او احری میگردد.

خلاصه تمام این مراتب معاینه و تقطیس شده و معافانرا جدا نموده و متباقی را بقسم اول سوا مینمایند، و محاذی اسامی شان اشارت میگذارند، و این معاملات انتهای معاینه را تشکیل خواهد داد، همینکه معاینه انتهایی بختم رسید بکشیدن قرعه شروع میشود.

(۷ - صورت کشیدن قرعه)

در مواحه افراد و مجلس اخذ عسکر بعد اشخاصی که اشارت دارند، و بقسم اول تفریق گردیده اند، که در فوق بیان شد کاغذ سفید چهار گوش بریده و رویی هر يك اسم یکی از افراد را منصلاً نوشته و یکی یکی را لوله نموده و با سوره های کوچک ادخال، و در ماسوره را بسته و همه را درون يك کیسه وضع مینمایند، سپس عدد اولی کاغذ چهار گوش علیحده بریده و در روی اینها نیز از نمره يك شروع و تا نمره آخری که تا عدد انتهاست ترتیب، و كذلك لوله نموده و با سوره ادخال و بکیسه علیحده وضع مینمایند، کیسه اسامی را یکی از علماء و کیسه نمره را هم یکی از اعضاء سابقه داده و پس از ادای دعای شوکت اسلام شروع بکشیدن نمره میشود.

اول آن که کیسه اسامی را در دست دارد، علناً

بکیسه دست فرو برده و يك ماسوره اخراج و در ماسوره را گشوده و اسم را جبراً قرائت مینماید، صاحب اسم هر که باشد پیش آمده (اگر خود موجود نیست وکیل او را که خدا) آستین را تا آرنج بالا زده بکیسه قره دست فرو برده و يك ماسوره اخراج و درش را گشوده قره را قرائت و جلو آستین در دفتر قید میگردد. بدین قسم تمام افراد قسم اول داران يك قره میگردند. پس از آن رئیس محاسن اخذ عسکر برخاسته و در مواجهه عموم مقدار افرادی را که باید آن دانه بدهد بیان مینماید، هر که تا عدد مطلوب را کشیده است افراد ترتیب اول و متبانی ترتیب ثانی میشوند، (مثلاً مقدار افرادی که دارای قره اند بالفرض (۴۰۰) نفر است و رئیس عوجب دفتر سیصد عدد را بیان نموده که باید آن دانه بدهد در این صورت از يك تا سیصد در دست هر که هست او ترتیب اول. متبانی که (۱۰۰) نفر خواهند بود ترتیب ثانی میشود. پس از آنکه بدین اسم قره کشیده و تمام شد دیگر هیچوجه نباید تکرار کرد و شاه علیه باید این معامله با کمال دقت و حقیقت اجرا گردد.

در حق افراد قسم ثانی نیز چنین معامله میشود پس از ختام معاملات تمام افراد مدت معینی رخصت میدهند، که رفته بدر و مادر خود را وداع گفته و تسویه کاروبار و خویش را نموده و پس از ختام مدت مأذونیت بمركز فوج گرد آیند، لذا از جانب مجلس رئیس برخاسته و تمامی افراد میگوید، که در ختام مدت مأذونیت در انشای مأذونیت جنحه و جانی که مستلزم مجازات شود نماند، و ما ناموس و تریه حرکت نموده، هیچکس را از خود نماند، و ضمناً تنبیهات لازمه از قبیل اینکه اگر بخودی خود بیایند و فرار نمایند، زجر آبخدمت گرفته خواهند شد، و اگر جنحه و قباحت نمایند، مطابق قانون مجازات خواهند گرفت، و در مواجهه مجلس در حضور علماء یکی یکی را قسم داده که در ختام مأذونیت بمركز اجتماع نموده و نازمانیکه در سلك مقدس عسکری هستند بدین و وطن و ملت با کمال صدق و استقامت خدمت نمایند، و رخصت معینی داده بجاهای خود بر میگرددند، پس از ختام این

معاملات بالای دفتر موجوده، دفتر قره سال فوج ۰۰۰ است را نوشته و اشیای دفتر را حضار و اعضاء محاسن اخذ عسکر تصدیق و تمهید دو صورت مصدقه آنرا اخراج و به بریگاد ارسال میدارند، یکی از آنرا بریگاد نزد خود نگاه داشته دیگری را بار دو میفرستد.

(۸) معاملات که پس از کشیدن قرعه ایجاب مینماید
۱ - معاملات قلمیه - پس از کشیدن قرعه اولین وظیفه شعبه اخذ عسکر املا نمودن کتابچه های جلد سرخ است که از طرف اردو آمده، و تنظیم نمودن دفاتر سوق عسکر است. اولاً اندکی از دفاتر جلد سرخ و پس از آن از دفاتر سوق مختصری بیان نمایم

کتابچه های جلد سرخ

جلد سرخ علامت فارقه است، این کتابچه ها (۵۸) صفحه را داراست، و شش صفحه اول آن متعلق شعریات و مندرجات و مواد نظامنامه، و دو صفحه آخری نیز صورت حرکت افراد را پس از اعلان حرب در حین سفر و مواد جزایه را که در حق فراریان لازم الاحری است بیان مینماید، کاملاً محررات است. این کتابچه مطبوع است و در مطبعه عسکریه طبع و از طرف وزارت جنگ به اردوها و از اردو ها نیز بقدر عدد افراد داخل س عسکریه بشعبه های اخذ عسکر ارسال میشود، شخصی که صاحب این کتابچه میگردد در مدت بیست و بحال که مدت عسکری اوست هر گونه وقوفاتی که داده و معاملات را دو چار گردیده در صحیف خلی کتابچه از طرف کاتبهای حوقه موضحاً شرح داده میشود، شاه علیه صحیف دیگر کتابچه جا بجا خالی گذارده سه که اسم و عمره و وقوفات سلك موظف و احتیاط و ردیف و مستحفظ او قید شود، افراد باید این کتابچه ها را که سجل اخلاق آنهاست همیشه در برداشته و هر وقت که خواسته شود ارائه نمایند

دفتر سوق

افراد جدیدی که بحسب دفتر تخصیص بقطعات مختلفه عسکریه تقسیم خواهند شد، بهر قسمی که تقسیم و تخصیص گردیده اند برای هر محلی جداگانه دفتری بنام دفتر سوق تنظیم میشود، و افرادی که تخریق گردیده

نموده اند، و الحاصل آنستکه محض خلاصی از خدمت خود را جرح و تعالی نموده و غیره که ذکرش موجب تطویل کلام است، همینکه گرفتار شدید و ثابت شد علاوه بر خدمت زجری مدت موظف چهار ماه نیز حبس میشود، و این مدت جزا از مدت خدمت آنها محسوب نمیشود

صورت توزیع افراد بقطعات موظف

برای اجرای این معامله دو اصول موجود است یکی را اصول منطقی و دیگری را اصول ملی نامند، هر یک از این دو را حزن شرح میدهم.

اصول منطقی - افراد جدیدی که از دوائر منقسمه مملکت یعنی از مناطق عسکریه اخذ میشوند باز در همان منطقه مانده و بقطعات عسکریه همان دائره توزیع و تقسیم میشوند - (مثلاً افرادی که از اردوی اول نظر به تقیباتی که ما تصور نموده ایم از آذربایجان گرفته خواهند شد، در قطعات عسکریه که در همان منطقه هستند باید مشق نظام نمایند)

اصول ملی - آنست که دوائر عسکریه را بنظر اعتبار نگرفته افراد جدیدی که از محال مختلفه گرفته شده است همگی را مخلوط و باانضمام قطعات عسکریه را از هیئت عمومی اهلی تشکیل میدهند (مثلاً افراد خراسان - کرمان - اصفهان - و غیره همگی را مخلوط نموده قطعات را تشکیل میدهند)

از این دو اصول، اصول منطقی بهتر است، و اصول ملی صحیح نیست، چونکه در اصول منطقی اولاً افراد همینکه اخذ شدند در محل خود به تعلیم و تعلم خواهند پرداخت و مفارقت ایوبن و اقربا بآنها تأثیر نخواهد نمود، و در ثانی چون با آب و هوای ملک خود امتزاج نموده اند سالمتر خواهند ماند، ولی در اصول ملی این دو خاصیت نیست و علاوه مصرف هم زیاده میشود، چونکه مثلاً کرمانی را برای مشق باید به تبریز و تبریزی را بکرمان، خراسانی را بفارس و اصفهانی و همکذا بعکس در این صورت مصارف راهیه کلی لازم دارد، و چون امتزاج آب و هوا نیز شرط است لذا گرم سیر را به سرد سیر و سرد سیر را به گرم سیر نقل نمودن موجب خرابی و تلف زیاد خواهد گردید، و الحاصل اصول منطقی مرجح است

اند اسم و رسم شان مکمل در دفتر مذکور تحریر و مقدار آنها بهر چند نفر که بالغ شده است و تا آن موقعی که اید بروید چه قدر مسافت است و علی الحساب چند منزل که میشود بومیه مقدار معینی جیره براساس آنها حساب نموده و مصارف راهیه که بآنها داده خواهد شد نیز در دفتر مذکور قید میشود

(۲) - سوق افراد جدید - پس از ختام مدت مآذونیت همینکه افراد قسم اول به مرکز فوج اجتماع نمودند در حضور مجلس احدی عسکر که تکراراً منعقد خواهد شد در صورتیکه مأمورین سوق نیز انبساط وجود نموده اند سان دیده موجودین و ناموجودین را فهمیده سپس دفتر جلد سرخ هر یک را ایداً بید بخود آنها تسلیم و خود آنها را نیز با مأمور سوق میسپارند و وجهیکه برای مصارف آنها حساب شده و در دفتر سوق مرقوم است، پس از اخذ سند بصاحبمنصب مذکور داده و از طرف حکومت محلی نیز برای محافظت و معاونت عساکر ضبطیه بقدر لزوم ترفیق نموده، و حرکت میدهند، صاحب منصب سوق باید در انشای راه اگر در مبادی آنها کسی تثبت هرگز نباید و یا فرار نماید، اگر گرفتار شد بجهت محل موقع اولی تسلیم مینماید که تحت الحفظ سوقش نمایند، و اگر گرفتار نشد صاحبمنصب سوق اسم و اشکال نفر مذاور را مکتلاً به کاندان موقع اخبار مینماید که گرفتار شده باشد، همینکه افراد بمحل معین واصل گردیدند، آمر بزرگ موقع سان دیده همگی را معاینه و تعداد و پس ز آن بقطعات و صنوفیکه تخصیص شده اند توزیع و تقسیم مینماید، سپس محاذی اسامی هر یک شرح داده و دفتر سوق نیز مختتم میشود، و یک صورت اورا کاندان آن موقع برداشته مینماید، و دیگری را که اصل اوست به مرکز اردو ارسال میدارد

افراد مزجوره

افرادیکه با حيله و دسيسه از خدمت عسکریه فرار نموده اند افراد مزجوره نامند، این قبیل افراد همینکه گرفتار گردیدند مدت موظف را که به سال است کاملاً زجر آن تحت السلاح امراد خواهند نمود، افراد مزجوره آنها میباشند که پس از دخول بسن مملکت بجهت نیامده و فرعه نکشیده و وکیل هم مرستاده اند، و یا اینکه پس از کشیدن فرعه فرار

دیگر افرادی که صنوف ثلثه یعنی پیاده و سواره و توپچی گرفته میشود باید از روی قاعده باشد، یعنی افراد صنف سواره باید قدری سواری بدانند و فرز و چابک و بلند قد و شومند باشند، و از اسب نترسند و توپچیان سواره علاوه بر صفات مذکوره باید بکالسه و در شبکه چی گیری و آهنگری و صنایع سواره که بصنف آنها لازم است نیز مألوف باشند، و توپچی ها باید پر قوت باشند و ضعیف العین نباشند

افراد بحریه باید از اهالی بنادر و سواحل و علی الخصوص از آنهاست که به صنایع بحریه از قبیل ماهیگیری و کشتی بانی و غیره الفت دارند انتخاب شوند، و نیز افراد صنوف معاونه باید از ارباب صنعت باشند، افراد جوقه های تلگراف عسکری باید دارای سواد باشند، و در دول متمدنه رسم بر آنست که قد افراد را نیز بنظر اعتبار در می آید مثلاً پیاده نظام (۱۰۴)، صنف تیراندازان (۱۰۹) - سوار و توپچی (۱۶۰) - مهندس و توپچیان قلاع (۱۶۶) - سائیمتر است و این مقادیر وسطی است (حساب قوه عمومی)

مادر اول مقاله خود نفوس ایران را پست ملیون فرض و تخمین نمودیم، و گفتیم دو ملیون از این پست ملیون مال اجنبیه میباشد، اگر در ملیون نفوس هم عشرت شود شانزده ملیون باقی بماند، و ما معاملات اخذ سیاه را باین شانزده ملیون تطبیق نمودن را مناسب دانستیم، زیرا دو ملیون نفوس اجنبی ما بدل داده و از خدمت معاف خواهند شد، و دو ملیون عشرت ما نیز (چون آنها بالطبع جنسکاور و ساحشورند و در ذیل اصول تعلیم و تربیه نظامی آنان ذکر خواهد شد) ما شایان استثناء از قانون قرعه دانستیم، پس اگر افراد پست سه ساله را که در این شانزده ملیون نفوس بنظر در آوریم، علی التخصمین و بحساب ملل سائر (۱۶۰۰۰۰) نفر خواهد شد، چون این (۱۶۰۰۰۰) نفر معلولین و بی میان و طامورین و غیره را نیز دارا میباشد، پس از استثناء آنان متباقی قسم اول خواهند ماند، اما از این افراد قسم اول تنها سال اول (۸۰۰۰۰) نفر تحت السلاح خواهیم گرفت، و این (۸۰۰۰۰) نفر صنوف ثلثه را تشکیل

خواهند نمود، متباقی افراد متروکه خواه افراد قسم ثانی و یا تربیت ثانی بانام سالی حزن مشق خواهند نمود، که در انتهای حرب از آمان نیز استفاده شود، (در متن قانون قرعه ذکر شد) تدارک این (۸۰۰۰۰) نفر نیز آسان میباشد بدین قرار :-

چون يك دائره اردو (۶۴) شعبه اخذ عسکر را دار است اگر سال اول از هر شعبه (۲۰۰) نفر اخذ شود در يك اردو مجموع افراد (۱۶۰۰۰) و در تمام اردو ها بجهت (۸۰۰۰۰) نفر میشود، پس در اینصورت قوه تحت السلاح ما پس از سه سال که در هر سال (۸۰۰۰۰) نفر اخذ شده باشد میشود (۲۴۰۰۰۰) نفر و این مقدار ثابت است، و میتوان دائمی برقرار نمود، لیکن اگر بودجه مساعدت نمود سال چهارم میتوان زیاده از هشتاد هزار نفر گرفت که قوه تحت السلاح ما زیاد تر شود، ولی باید ابتدای کار افراد جدید را کمتر گرفته که تعلیم و تربیه و ضبط و ربط ممکن شود، زیرا هر قدر عسکر زیاد شود آقدر نیز که کافی باشد صاحب منصب لازم دارد، و صاحب منصبی که فنون حرب را آگاه و تحصیل کرده باشد روح اردو است - اولاً باید تدارک صاحب منصب نمود که قطعات عسکره بی صاحب نباشد، (ذیلاً تدارک صاحب منصب را خواهیم نگاهت) بطریق معروضه سال نهم که افراد سال اول بصنف ردیف نقل خواهند نمود (۷۲۰۰۰۰) عسکر معلم را دارا میشویم، و تا سال پست و پنجم که يك دوره تمام است یعنی تا نهایت سال مستحفظ دو ملیون سرباز مشق کرده و سیاه يك اسق را دارا خواهیم بود، که اگر بانصد هزار نفر از ایشان تلف شده باشند باز يك ملیون و بانصد هزار نفر سرباز موجود است، که باین مقدار عسکر نظام سیصد هزار سوار عشرت را هم که علاوه نهم يك ملیون و هشتصد هزار لشکر حرب آزموده را دارا خواهیم شد

تشکیلات

قدری هم از تشکیلات و تنسیقات فیم را نیم - اولاً باید دانست که صنوف عسکریه بر دو قسم است - یکی را صنوف معاونه نامند - صنوف اساسیه صرف برای حرب تشکیل شده - و صنوف معاونه برای تسهیل عملیات صنوف اساسیه است - صنوف اساسیه را صنوف

محارب و صنوف معاونه را غیر محارب گویند
صنوف اساسیه و یا محارب (۱) - پیاده
۲ - سواره (۳ - توپچی است)

صنوف غیر محارب و نامعاونه :- ۱ - مهندس
۲ - بل ساز ۳ - نق زن ۴ - آگراف ۵ - شمدفر
۶ - بالوف ساز ۷ - نظیه ۸ - محبیه ۹ - صنایع
میباشد :- که از يك تا ششم را علیحده بز صنوف فنیه نامند

صنوف محارب

بن دو مبحث پیاده و سواره را (محمد حسن
خان صاحب منصب سوار نظام) که یکی از رفقای محترم
من است بقلم آورده، چون باین زمینه مناسبت داشت
لایم دیدم که در اینجا عیناً نقل نموده و از این معاونت
و ضمناً تشکرات مخصوصه خود را عرضه میدارم

تشکیل پیاده نظام ایران

صنف پیاده در عسکری موقع احمی را داراست،
گر يك اردو را، بيك سان تشبیه نماید و جود او را
بدهد، جنم و توشش را سوار، دست و پایش را توپچی،
روح او را صاحب منصب تشکیل میباید، تشکیل این
صنف از صنوف سائره آسان و کم - مصرف تر است،
چون این صنف از اسان و سلاح مرکب میباشد
در صورتیکه سلاح موجود باشد تشکیل او مشکل
مخواهد بود، از حیث تعلیم و تربیه نیز زود میتوان
در احضار نمود، حتی در ثنای حرب نیز تشکیل
مورد و بحرب اشترك شدن ممکن است، لیکن در
توپچی و سوار چنین نیست چون در آن دو صنف
غیر از اسان و سلاح حیو نهم لازم است و تعلیم و
تربیه حیون فوری میباشد، و محتاج بوقت است و
بخز این، خصوص توپ و حیوان مصارف کلی را استخراج
مینماید، و در پیاده چنین نیست، در وقت جنگ نیز
از پیاده بیشتر میتوان استفاده نمود، چون در هر نوع
راضی خواه تمرس و یا تدافعی هر نوع محاربه را
ز دور با تفنگ از نزدیک با سر نیزه تفنگ بسهولت
احر مینماید و خود همه بلا معاونت صنوف سائره
میتواند، يك حرب را شروع و نتیجه دهد و
صنوف سائره این خاصیت را فائز نیستند، مثلاً يك
صنفه توپچی بمحورقت بالذات میتواند بلا معاونت
سوف سائره بحرب بمشورت و نتیجه دهد، علاوه برین

لخصوصات صنوف سائره حرکت خود را همیشه پیاده
عبار مینمایند، اگر پیاده در حرب غالب و مغلوب
شود، وضعیت حربیه صنوف سائره هر نوع که بوده
باشد معتبر نبوده، و محاربه بمد ختام پیوسته میگردد
والحاصل مظفریت اردوهای این عصر متوقف بقسمت
عسکریه صنف پیاده است، لذا دوات علیه نیز باید
به پیاده اهمیت فوق العاده دهد ...

نظر باحوال جغرافیه و تقوسیه ممالکمانرا به پنج
دائرة اردو تقسیم نمودن مناسب است، دائرة هر اردو
از دو دیویزیون پیاده نظام موظف و يك دیویزیون
سوار نظام و يك دیویزیون توپچی و از مقدار کافی
عساکر فنیه و معاونه مرکب و مشکل خواهد بود،
يك دیویزیون پیاده نظام بدو بریگاد و يك بریگاد به
دوره ژبان و يك ره ژبان به چهار فوج و هر فوج
به چهار دسته و هر دسته سه جوقة تقسیم میگردد،
در انصورت اردو های بچگاه ما تحت السلاح ده فرقه
پیاده نظام - پنج فرقه سواره نظام - پنج فرقه توپچی -
و مناسب باین تقسیمات مهندس، بل ساز، وغیره را که
صنوف معاونه اند موجود خواهد داشت .

چون موجودی يك فوج در همه جا هزار نفر
است در این صورت موجودی يك ره ژبان چهار
هزار نفر، و موجودی يك بریگاد هشت هزار نفر و
يك دیویزیون شانزده هزار نفر میشود .

چون قوه تحت السلاح ما که سال اول از تمام
دواتر اردوها اخذ میشود هشتاد هزار نفر خواهد بود
و از این قوت صنوف تازه باید تشکیل شود بمخواهیم
بدایم چه قدر از این مقدار را به پیاده و بصنوف
سائره باید داد؟ چون از هر اردو شانزده هزار نفر
اخذ میشود، در هر اردو سال اول ده فوج که دو
ونیم ره ژبان شود باید تشکیل نمود، و سال دوم
وسوم نیز برای اكمال نمودن فرقه یازده فوج باید علاوه
شود، که در هر اردو سال سیم سی و دو فوج
خواهد شد، و نخبیناً دو فرقه مقرر می حاصل میشود،
چون سال سیم مجموع قوه تحت السلاح تمام اردوهای
ما دوست و چهل هزار نفر است، قوه پیاده نظام
ما نیز صد و شصت هزار نفر خواهد بود، دیویزیون
در تمام اردو نموده خواهد گرفت، که از يك تا ده

میشود، بریگادها نیز از يك تا بیست نمره را دارا هستند، ره ژبان ها كذلك از يك تا چهل نمره را بترتیب دارا خواهند بود، لیکن فوجها در ره ژبان نمره میگیرند، مثلاً فوج سیم ره ژبان بیست و هفتم علاوه برین چنانچه در دول منمده رسم است، باید صنف تیر انداز نیز تأسیس شود، این صنف در پیاده نظام موقی بس اهم را داراست، چون اینها در اشای حرب بیشتر از تمام افراد معروضه بآتش دشمن میانند، دو چار تاغات زیاد میگردند، لیکن چون خود نشان زن خوبی خواهند بود، دشمن نیز تاغات زیاد خواهد داد، و این افراد باعث تشجیع قطعات حسنه و بتاب خواهند گردید، سنکرها بیه دشمن را اینان ضبط و قطعات عسکره اورا بریشان میناید، لذ قیافت عسکره این تیر اندازان باید با سایر پیاده ها فرق داشته باشد، و در وقت احتجاب نیز باید قویترین افراد را باین صنف تعیین نموده و در وقت تعلیم فوق العاده باید تربیه شان نمود، برای تأسیس این صنف فوج اول هر ره ژبان کافی است، یعنی در هر ره ژبان باید يك فوج تیر انداز باشد.

(تشکلات سوار نظام)

اگر به تشکلات و تنسیقات سوار مملکت ما اهمیت داده شود، هیچ شك و شبهه نیست که از حجه سوار دولت عالیة ایران در اولین مرتبه دول محسوب خواهد شد، چونکه اساساً ملت عجیب ایران طبعاً سواره هستند، و حافظاً برای سواری آفریده شده اند، هیچ يك از نژاد ایرانی نیست که به سواری بجلویت طبیعیه حس نه نموده باشد - اولاً قدری از تاریخ این صنف بحث نمائیم که اهمیت او درست معلوم گردد.

من القدم تا زمان ایجاد اسلحه ناریه تمام اردوهای مملکت صرف از سوار مرکب بود، سه چهار عصر مقدم نیز قسم مهم اردو را سوار تشکیل مینمود، در آن ازمه بسوار اهمیت فوق الهایه داده میشد، و فی الحقیقه اهمیت داشت، يك سوار به بیست پیاده ترجیح داده میشد، اگر بکصد سوار در یکجا جمع میشد، دیگر حلو او تاب مقاومت نمکن نبود، حتی زمانیکه اسلحه ناریه ترقی و تکمیل نمود، باز در بعضی اوقات مقاومت بسوار موجب خدمت بود، از جمله ناپلیون

بویاریت از سواران (کوله من) که در مصر بدو تاختند، شیخ وطم را دو چار گردید، اردوی داراب که از ایران تا یونان و اردوی الکسندر کبیر از یونان تا هندوستان رفت، و اردوی چنگیز و امیر تیمور که آسیای وسطی را زیر و بر نمود، همه از سوار مشکل بود، اردوی نادر شاه افشار که افغان و عثمانی و روس و هند را شکست داد و ایران را از چنگال گرگان خلاص نمود، صرف از سوار مرکب بود... لیکن ترقیات عظیمه متوالیه که در اسلحه ناریه بحصول پیوست اهمیت این صنف را کم و بالعکس اهمیت پیاده را زیاد نمود، یعنی آن سواری که با هم حجت خود کسب اشتهار نموده بود دیگر فعالیت خود را در مقابل تفنگ اوتوماتیک و توپ آتش فشانی نتوانست اجرا نماید، و تاقت عظیم را دو چار گردید، سپس زیرک طرف و طوائف مهمه سوار را توسعه نمودند که مثال اول اهمیت خود را عاده ماید، آن و طوائف نیز عبارت از کدنی و خدمات امنیه در وقت حرب ستر و محافظه مارشها و متعاقب علان حرب هجوم به مملکت دشمن و قطع تصالات او و محو و تخریب اراضی و بتصرف آوردن نقطه سوق الجیشیه دشمن را قبل رو، و الحاصل اقطاف نمودن نمرات حرب است و اهمیت این خصوصیات دوباره اهمیت سوار را تزیید نمود.

سوار حال حاضر خصوص دیگر را نیز درست مینماید در بعضی جاه از اسب پیاده شده با قطعات کوچک پیاده مثل پیاده جنگ مینماید و در بسیاری از اوقات بموقیقات عظیم نیز نایل شده، محررین و رجال عسکره اروپا با صبه به سوار خیلی عصب اهمیت مینمایند، مابین اگر اهمیت او را بکار بنگ واسعه، مثال حریه و دلائل کثیره شرح هم اثبات نمائیم، موجب تطویل کلام خواهد شد، لیکن همینقدر باید دانست که دولت روس در مملکت خود بسوار خیلی اهمیت داده و ترقی داده است، و در ازمه اخیره آلمان، فرانسه، اطریش، ایتالیا، حق عثمانی، نیز سوار خود را نسبت بهاضی به چند مثل بلاغ نموده و با اسلحه جدیده حق بامترالپوز (که دقیقه ششصد مرمی اندازد) تسلیح و تجهیز نموده، و فرق مستقل را از سه اوقتی دسته اردوهای مستقل نیز تشکیل داده اند.

تا یازده ره ژبانه از يك تاسی نمره را دارا خواهند بود ، لیکن دسته ها در ره ژبانه نمره میگیرند ، مثلا دسته سیم ره ژبانه سیزدهم .

گفتم که سال اول علی العموم از اردوهای بجگاه (۸۰۰۰۰) نفر اخذ خواهند شد ، از این هشتاد هزار نفر (۵۰۰۰۰) نفرش را که پیاده تشکیل خواهد داد پس چه قدر او سوار و غیره میشود ؟

چون سال اول موجودی هر اردو شانزده هزار نفرند ده فوج یعنی ده هزار نفر که از این قوت بیرون شود (۶۰۰۰) نفر باقی خواهد ماند ، ما از این شش هزار نفر سال اول اگر يك بریگاد سوار تشکیل دهیم جبهه صنوف سائر (۴۴۰۰) نفر میباشد ، سال دوم نیز يك بریگاد ، سال سوم کذا يك بریگاد که علاوه شود يك فرقه سوار مقدری که مخصوص هر اردوست تشکیل داده میشود .

در این صورت سال سیم قوه ، تحت السلاح سوار ما (۲۵۰۰۰) نفر خواهد بود

اسامه اینها سیک سوار يك شمشیر و يك فلانطه (فتنگ کوچکی است مخصوص سوار) و يك رپلور داده میشود ، تنها با افراد ره ژبانه اول هر دیویژون مزراق باید داد که با سوار مزراقدار دول همچوار ما تقابل نماید ، و این ره ژبانه را ره ژبانه (مزر اقدار) نامند . در وقت جنگ هر فرقه سوار يك فوج نوبیجی سوار ترفیق میشود ،

سوار عشرت

در حین تسیقات عسکری باین قبائل و عشایر فوق الحد باید اهمیت داد چون اگر اینها بروفق تشکیلات جدیده تسبیق کردند از حیث سوار پر قوت ترین دول خواهیم گشت ، بنا به تألیفات مؤلفین ایران و اروپا موجودی این ایلاتی که در زمان جنگ میتوانند حاضر شوند بالغ برانصد هزار جنگ آور است ، اگر حد اصفری او را سیصد هزار نفر تخمین و قبول نمایم و بفرق مستقلی که دارای (۵۰۰۰) موجودی است تقسیم نمایم شصت دیویژون وجود پذیر میشود ، پنج فرقه سوار نظام را هم که علاوه نمایم شصت و پنج دیویژون سوار يك نسق حاصل میگردد ، و این قوت در هیچیک از دول معظمه یافت نمیشود ، چنانچه دولت روس که از حیث سوار امروز اولین دولت محسوب است تقریباً

در سنه (۱۸۷۰) مسیعی که محاربه پروس و فرانس بوقوع پیوست و تجارب مهمه که از فرق سوار بدست داد بر عالم هویدا ساخت ، که سوار باز اهمیت اولی خود را کم نکرد ، و باز مظفریت اردو بسته به قسمت عسکریه سوار خواهد بود .

لذا پس از بسط این مطالعات تشکیلات سوار را که بوطن مهندس ما قابل التعلیق است ذیلاً معروض میدارم . در ایران پس از تشکیلات بسیار سوار را باید بنظر اهمیت گرفت ، و این سواری که ما باید تشکیل دهیم دونوع خواهد بود ، یکی سوار نظام - دیگری سوار عشرت ، اولاً از سوار نظام و در ثانی از سوار عشرت نبذة بحث نمایم

سوار نظام

تسیقات سوار نظام ما مثل تشکیلات سوار نظام دول سائر خواهد بود ، و چنین است نظر باردوی بجگاه که دولت عایه دارا خواهد گشت ، چون هر اردو يك دیویژون سوار دارد ، پنج دیویژون سوار خواهد شد ، که فی الحینه در ابتدای کار این مقدار باغ مابیع کافی است ، و قریب بل معادل با قوای سوار حکومتات همجوار است ، این فرق سوار که علی النصور به هر اردو علاوه خواهد شد ، هر کدام به سه بریگاد و هر بریگاد به دو ره ژبانه و هر ره ژبانه به پنج اسکادرون (که دسته باشد) و هر دسته بچهار جوقة منقسم خواهد گشت .

در سوار حزه نام دسته است و موجود او صد و پنجاه هر و قریب باین مقدار اسب لازم است ، موجود سفری ره ژبانه (۸۰۰) و قریب باین مقدار اسب ، و بریگاد سوار نیز (۱۶۰۰) و تخمیناً این قدر اسب ، و موجودی يك دیویژون (۵۰۰۰) نفر و تقریباً این قدر اسب خواهد بود .

دسته پنجم سوار را (دسته انبار) نامند که وظیفه آنان اصلاح جنس فرس ، و تعلیم و تربیه حیوانات و عالی الحسوس در وقت حرب بموض حیوانی که در میدان محربه تلف میشوند فی القور حیوانات جدید التدارکرا تعلیم و تربیه نموده بحرب اشتراك دادن است خود این جوقة ها محاربه اشتراك نمی نمایند .

فرق سوار در اردو از يك تا پنج بریگادها از يك

چهل فرقه ، و حکومت عثمانی (۶) فرقه ، و مقداری ده زبان سوار نظام و (۶۶) ده زبان سوار عشیرت را داراست . .

تشکیل دادن این سوار خلی سهل است و فداکاری فوق العاده نیز لازم ندارد ، چون این عشائر جنابککه من القديم تا بحال رسم است تمام ملزومات حرب را از خود تدارک خواهند نمود ، از اسب و تفنگ و ملبوسات و غیره ، تنها اسلحه ناریه و مهمات را در وقت حرب دولت از دادن مجبور است ، و این فداکاری جزئی منابل استقاده که در زمان جنگ از آنان مأمول و ملحوظ است در حکم هیچ میباشد ، این عشائر در وقت صلح با اسلحه خود مشق نظام خواهند نمود ، و در وقت حرب اسلحه که مطابق اسلحه نظام است از انبارها در آورده شده بآنها توزیع میشود ، ملبوسات ایشان نیز مطابق قرار داد وزارت جنگ خواهد بود ، و خود باید تدارک نمایند در وقت حرب تماماً اینها را تسلیح و تجهیز نموده و بحرب نباید فرستاد ، بلکه تنها از هر عشیرت يك یا دو فرقه را سلاح تازه داده بحرب میفرستند و همینکه فعلیات بختام رسید دوباره اسلحه دولت را تسلیم گرفته پس از نظیف و نظیر باز با نبار وضع مینمایند .

این قطعات جسیمه سوار جلو اردو حرکت و به راضی دشمن هجوم خواهند نمود ، و در ملک او از آبادان و عمران آن نخواهند گذارد .

مدت عسکریه این عشائر پست و هشت سال است و سه دور متقسم میباشد .

دور اول - در ابتدائی است که از هفده سالگی تا پست سالگی دوام مینماید که سه سال است ، در این مدت این جوانان در تحت نظارت رؤسای عشیرت ضبط و ربط عسکری را یاد خواهند گرفت و بدین قسم بدور دوم حاضر میشوند

دور دوم - دور موظف است که از پست سالگی تا سی و پنجسالگی که عبارت از یازده سال باشد دوام مینماید ، اینها قسم مهم عشیرت را تشکیل میدهند سالی چهار ماه جمع شده و مشق عسکری مینمایند ، که بدین قسم تربیه عسکریه را یاد خواهند گرفت ، و دو سال یکدفعه جمع شده در تحت قوماندۀ صاحبمنصبان نظامیه

مانوره های بزرگ خواهند نمود ، و بدین قسم باصول حرب آگاه خواهند شد

دور سوم - دور ردیف است که تا چهل و پنجسالگی دوام دارد که ده سال میشود ، درین دور سالی یکدفعه جمع شده و یکماه تعلیم و تعلم خواهند پرداخت و همیشه این مدت به ترتیب تمام شد تذکره خروج از عسکری میکنند

تدارک صاحبمنصبان - در اول مشکلات مشاق این عشائر از صاحب منصبان فرق نظامیه تعیین میشود و از صاحبمنصبان عشائر مستعد نشانرا به فرق نظامیه سوار آورده و وظائف صاحبمنصبی بآنها یاد داده میشود ، همینکه آموختند به عشیرت خود برمیگردند و بخدمات مشغول میشوند ، از یکطرف نیز اولادهای مستعد عشائر را بمرکز آورده و در دارالفنون سوار (که بر وفق بروضراهمای دول ستره تاسیس خواهد شد) تحصیل داده سپس بارتیه صاحبمنصبی به عشیرت خود میفرستند و بدین قسم در اندک مدتی عشائر مذکور فوق العاده ترقی و تکامل خواهند نمود .

صورت تدارک حیوانات

(یعنی اسب سواری)

عشائر حیوانات خود را خود باید تدارک نمایند ، تا حیوانات قطعات سوار نظامی دولت تدارک مینمایند ، برای تدارک حیوانات دو اصول موجود است ، یکی آنست که دولت حیوانات لازم را در داخل مملکت بشو و نما میدهد - دیگری آنست که بطرز ذریعۀ تدارک میشود ، و آهم تا دو اصول ممکن الحصول است ، اول آنستکه دولت حیواناتی را که در دست اهالی است اشترا مینماید و در ثانی آنست که قوم سیونی از ارباب و قوف ترتیب داده بتوسط او از خارجه میخرد ، این اصول ثانوی بسیار دست و شیان توصیه نیست ، چون هر سال مبالغ مهمی از ثروت مملکت به خارجه خواهد رفت و این مخالف قانون تکثیر ثروت میباشد و اصول اولی بدینست ، لیکن آنکه دولت خود مراعات تشکیل داده و در آنجا حیواناتی را که بخدمات سواره و توجیحی وفا مینماید به پروراند بهتر است ، و با این اصول هم جنس فرس اصلاح و هم تکثیر ثروت میشود بول هم به خارجه میبرد ، پس این صورت

وارسته از محذور است و شایان قبول میباشد

(تشکیلات توپچی)

لزوم و اهمیت این صنف را بیان نمودن زاید است. زیرا بدیهی است که به توپ با توپ باید جواب داد و اینرا هیچ وقت نباید فراموش نمود که مظهریت محاربات امروزه بسته به قوای معنویه است و در میدان جنگ هیچ چیز قوه معنویه را حاصل نمی نماید مگر فرض توپ

وظیفه توپچی در محاربات امروزه بسیار مهم است و همه نوع محاربه اشتراك مییابد. حمله قطعات سواره نیز بهمدون توپچی محول است

از زمان ایجاد اسلحه ناریه تا امروز تمام علمای این فن به ترقی و تکمیل این صنف فوق الحد صرف مقدرت نموده اند. و فی الحقیقه در نصف اخیر این عصر صنفی که جداً از ترقیات فنی استفاده نموده توپچی است. که نسبت به سایر صنوف سه چهار مثل زیاده استفاده نموده. چنانچه در محاربه جدید الوقوع اقصای شرق ترقی و تکمیل این صنف برعالم روشن گردید. در ازمنه اخیره مقدار او خیلی تزیید شده. بدست و بحسب مقادیر در اردوهای دول مختلفه در حالتیکه هر هزار نفر پیاده (۵ و ۱۰ الی ۲) توپ سحررا اصابت مینمود. الیوم (اسفندی ۴ و اعظمی ۷) توپ سحررا اصابت مینماید

مثلاً به يك دسته اردوی آلمان که ۲۵ فوج را حاوی است ۲۸ بطریه داده میشود. تعلیم و تربیه این صنف آن قدر مشکل نیست. لیکن صاحبمنصبان عالم لازم دارد. هر قدر معلومات فنی و عملیه صاحبمنصبان او زیاد تر باشد آقدر تعلیم و تربیه آسان تر میگردد. مع طایفه مصارف او از هر صنف زیادتر است علی الخصوص در اوقات اخیره تبدل و تکمیل مایلیم توپچی فوق الحد به بودجه دول بار شده

چون توپ نظر مقصد و محل استعمال و درجه خدمت و از حیث بطریه انواع متعدده منقسم است توپچی نیز به اقسام مختلفه تقسیم گردیده. که اساساً دو نوع میباشد. یکی را توپچی سحررا. دیگری را توپچی قلعه نامند. توپچی سحررا توپهایی را که در محاربات سحرراستعمل است بکار میبرد و به اقسام ذیل منقسم میباشد.

۱ - توپچی پیاده : قسم کلی توپچی سحررا را تشکیل میدهد و به قطعات پیاده نظام ترفیق میشود. آتش او مؤثر است و توپهای نسبتاً سنگین افراد در روی صندوق و صندوقی توپ سوار میشوند.

۲ - توپچی سواره . بالخاصه به قطعات مستقل سوار ترفیق میشود. مقدارش کم است ولی سریع الحركه میباشد. در این توپها افراد سوار اسبند.

۳ - توپچی جبل . در کوهستانها و جاهانی که حرکت عرصه ممکن نیست به پیاده نظام ترفیق میشود این توپها در پشت قاطر نقل میشود.

۴ - توپچی را بوزیه - و توپچی خپاره - اینها هم در سحررا و هم در محاصره استعمال میشوند توپچی قلعه و محاصره نیز توپهایی را که در قلعه و محاصره مستعمل است بکار میبرند. تشکیلات ایشان مثل پیاده است. سوای اینها توپچی ساحل نیز موجود میباشد گفتیم که در اردوهای بحکامه ما برای هر اردو يك دیویزیون توپچی کافی است که پنج دیویزیون میشود يك دیویزیون از سه بریگاد و هر بریگاد از دو ره ژوبان و هر ره ژوبان از دو فوج و هر فوج از سه بطریه مرکب است

فرق توپچی در اردو از يك تا پنج بریگادها از يك تا پانزده ره ژوبانها از يك تا سی نمره میگیرند. لیکن فوجها در ره ژوبان و بطریه ها در فوج نمره میگیرند

چون در هر اردو يك دیویزیون سوار مستقل موجود است. هر اردو يك فوج توپچی سوار را نیز دارا خواهد بود که فوج مذکور به این فرقه سوار ترفیق میشود

در اردوهای دول مختلفه علی العموم يك بطریه از شش توپ مرکب است. بطریه پیاده تخمیناً ۱۲۰ و بطریه سوار (۱۸۰) نفر موجود را دارا است. در این صورت موجود يك فوج در پیاده ۳۶۰ و در سواره ۵۴۰ نفر است

در ره ژوبان ۷۴۰ و در دیویزیون مع صاحبمنصبان ۴۴۰۰ نفر می شود در هر صورت قوه تحت السلاح توپچی را حساب نمائیم چون سال اول از هر دائره اردو ۱۶۰۰۰ نفر

گرفته خواهد شد ، ده فوج بیاد و يك بريگاد سوار که از این مقدار جدا شود ۴۴۰۰ نفر باقی میماند ، که از این مقدار سال اول میتوان يك بريگاد توپچی تشکیل داد و سال دوم نیز بريگاد و سوم کذا يك بريگاد که تشکیل و علاوه شود فرقه مقرری حاصل میگردد . حالا ازین ۴۴۰۰ نفر يك بريگاد که دارای ۱۴۶۰ نفر موجود است که سوا نمودیم باقی را صنوف معاونه تشکیل خواهد داد .

(صنوف معاونه و یا غیر محارب)

گفتیم که صنوف معاونه برای اجرا نمودن حرب تأسیس نشده ، بلکه برای سهیل فعايلات و اجرا آن صنوف محارب تشکیل گردیده است ، مثلا صنوف

مهندس برای انشاء نمودن استحکامات خفيه و جسيمه و طرق عسکره و غیره تأسیس گردیده ، یل ساز برای مرور صنوف مختلفه از هر ها پلهای عسکری را تأسیس میباشد ، صنوف نقب زن قهسای عسکری را تأسیس میباشد ، صنوف آنگراف عسکری در وقت حرب مخارات بین قطعات را تأسیس میباشد . صنوف شنیدو فر انشا میباشد راهپائی را که مقاصد عسکره تأسیس اول لازم است و غیره ، بالواسز مالونهای عسکری را میسازد ، نقابه نقات عسکری را اجرا میباشد . صنوف صحه محروجن و مرضی عسکری را در وقت حرب تدارك میباشد ، صنوف صنایع تجهيزات و ساثره عسکری را احضار میباشد . و حاصل این صنوف در هر خصوص ۵ صنوف ساثره معاونات میباشد .

صورت ارائه قوای صنوف ثلاثه

(بطور مرقم)

(سال اول)		(سال سیم)	
در يك اردو	در پنج اردو	در يك اردو	در پنج اردو
۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰ (پیاده نظام)	۳۲۰۰۰ (دو دیویزیون)	۱۶۰۰۰۰
۱۶۰۰	۸۰۰۰ (سوار نظام)	۵۰۰۰ (دو دیویزیون)	۲۵۰۰۰
۱۴۰۰	۷۰۰۰ (توپچی)	۴۴۰۰ (دو دیویزیون)	۲۲۰۰۰
۳۰۰۰	۱۵۰۰۰ (صنوف معاونه غیره)	۶۶۰۰	۲۳۰۰۰
۱۶۰۰۰	۸۰۰۰۰	۴۸۰۰۰	۲۴۰۰۰۰

اساسه

اساسه این صنوف باید بالطبع سیستم اخیر و مکمل ترین اساسه باشد چنانچه در اول مقاله نیز معروض فتاد که تفنگ و رندل و توب سروارید در محاربات امروزه بکار نخواستند آمد ، باید هیئت فنیه تشکیل داد و به قاریکهای دول اعزام و پس از اجرای تحقیقات و تحقیقات عمیبه فنیه هر سلاحی که صلاح مملکت است انتخاب و آورده ، همینکه این اردوهای تصویری از حیز خیال یا به هرصه و جود نهاد ، تسلیح و تجهیزش نموده آماده حرب ساخت .

صاحب منصبان

اساس اردو باوجود صاحب منصب دائم است ، و در حکم روح اردوست ، لذا باید در حین تشکیلات تدارك صاحب منصب را هم از نظر دور نداشت ، صاحب منصب باید همی و نظری باشد ، یعنی فنون حرب را بخوبی بداند که از او استفاده ممکن شود ...

اولا باید مکتب فنون حربیه دریای نخت برآمد و یا اینکه مکتب موجوده عسکره را تسبیق و پروگرام او را برونق پروگرامهای دول دیگر مثل سوید آلمان فرانسه و یا اوطریش تنظیم نموده و برای صنوف ثلاثه صاحب منصب تدارك نمود ...

درئای از بروس و یا اوطریش و یا سوید و ژاپون معلمین مقتدر و مشاقمهای ماکفایت اجیر نموده و اردوها نص و تعیین کرد

در نالت شاگردان مستعد را بالامتحان انتخاب نموده و مکتب مختلفه عسکره اروپا فرستاده و مراجعت داد ...

اگر باین اصولها تشبث کرده شود در اندک مدتی بموفقیات عظیمه نائل خواهیم گشت .

قوای عتیقه یعنی عساکر حالیه

عساکر ثبت دفتر که حال حاضر قوه عمومیه مملکت طارا ارائه میدهد چون امروز در حکم قالب بی روح

میباشد و اکثر این قوت اسم بلا رسم است

لذا این قوه را در مبداء کار (بغیة ما) باید بر سه قسمت تقسیم نمود. يك قسمت اورا تذکرة خروج داده و یا به صنف احتیاط گذراند بجای او با قرعه عساکر سال اول را که ۸۰۰۰۰ نفر فرض و تخمین نموده ایم اخذ نمود، سپس قسمت دوم را سال دوم الحراج و سومین قسمت را نیز سال سوم لغو و یا با احتیاط گذراند و از آن قانون بی قاعده قدیمی و نمرة او اثری باقی نگذاشت، اما از میان این افراد و صاحب منصبان کوچک مستعدینشان آنها را که جداً تعلیم و تربیة عسکریه دیده اند با رتبه صاحب منصبی و ده باشی گری بر عساکر جدید نصب نموده و برتری داد. مشاققای افواج را نیز به افواج جدید مشاق تعیین نموده و اردوهای جدید را جداً تعلیم و تربیه نمود.

(خانه)

جوت امروز فنون عسکریه کتب وسعت نموده اگر در هر شعبه و تنسیقات او مفصلاً اداره کلاماً آرزو نام شرمی بس طویل خواهد شد، و چون در خصوصات عمده او و اس‌الاساس سپاهیکری یاد آوری نمودن آرزو مند بودم، آنچه را که به نظر قاصر میرسد تحریر نمودم، قبول و اجرای او منوط به پسند و صرف اقدامات اولیای امور خواهد بود...

محمد علی اصفهانی تویجی

حبل المتین

ما از وکلای محترم ملت و رجال دولت دو آرزو داریم، اول آنکه بغور و تأمل درین گونه مقالات انگریسته زحمت نویسندگان را بدر ندهند، یعنی در این مسئله قشور ملی که روح استقلال ملت است مثل سایر امور به نشستن و گفتن و برخاستن قناعت فرمایند و از مباحث الفاظ خارج شده بدائرة عملیات قدم بگذارند

دوم اینکه وجود جوانان نعلیم یافته و تربیت شده ایرانی را مثل زمان استبداد معطل و مهمل نگذارند که کایه خرابیهای ما در این نکته بود، امروز شایسته است که از طرف ملت و دولت ایران اعلان شود که جوانان تعلیم یافته ایران که قابل خدمت بوطن خود هستند

ولو در خدمت دول دیگر هم باشند خود را معرفی نموده تا با اندازه ایاق با خدمت رجوع شود، امروز ما کار خیلی و کاردان بسیار کم داریم، سبب این است که تا امروز نخواسته ایم کار را بکاردان بده ایم ابدأ شایسته نیست که جوانی مانند صاحب مقاله که تعالیم خود را حاصل کرده و دیپلوم صاحب منصبی توپخانه گرفته بیکار هم خود را در خارجه گذرایده و با عبور خدمت دولت دیگر گردد،

ما توجه حساب مشیرالدوله و بر امور خارجه که خود تربیت شده و قدر دان جوانان تعلیم یافته اند بدین نکته مخصوصاً جواب می نایم

دبستان جاوید

در بندر عباس

بر حسب مشاوره هیئت اداره دبستان جاوید هر بیضه بعنوان اعضاء محترم انجمن مدرسه مبارکه سعادت مظفری ما انما الله عن التعلیل والآفه نوشته ارسال شد و در آن استدعا نموده که دو نفر از معلمین مدرسه مبارکه را موقتاً از پوشهر روانه بندر عباسی نمایند که ترتیبات درسیه و پروگرامها و انتظامات لازمه را مواظبت نموده بطرزی صحیح درست و برقرار نمایند، و نیز کتب لازمه دوره ابتدایه را بتوسط معلمین بفرستند، و کلاء عظام و رؤساء نظام مدرسه سعادت نیز کمال مساعدت و همراهی را مبذول فرموده، و مراتب معارف دوستی و وطن خواهی خود را ظاهر و مدلل داشته، همه ما را قرین امتنان و بادعیة صادقانه و طب‌الاساز نموده، جناب سلیل الاطیاب آقا سید نقرالدین را که در فضائل انسانیه و صفات حمیده بی بدیل و در کالات علمیه و السنه خارجه بی عدیل با اتفاق جناب عمده المشایخ العظام و زبده المضلاء الکرام آقا شیخ عبدالملی روانه فرمودند، مشارالیهها بوم دوشنبه هشتم شهر ذی حجه الحرام وارد و بوم چهارشنبه دهم دبستان جاوید مفتوح و شروع بتعلیم اطفال شد، در این چند روز عمده تلامیذ دبستان به می و هفت نفر رسیده، بوم یکشنبه بیست و یکم شهر ذیقعدہ بملاحظه ضیق محل دبستان منزل را تغییر داده، و بخانه که خیلی وسیعتر و مرغوب تر بود، انتقال نموده در عصر همان

روز تمام رجال و کار گذاران دولت عایه ایران و هموم اعیان و اشراف و تجار ذوی العز و الاحترام و بعضی از اصناف و کسبه بجهة تبریک دبستان و ملاحظه تحصیلات اطفال قدم رجه فرموده شرف حضور هم رسانیدند ، اطفال و شاگردان با اجازه جذب مدیر منظر در تالار صف کشیده از تحصیلات چند روزه خود قدری از جغرافی و حساب و تعابیات دینیه امتحان داده ، حصار ارتقیات ایشان فوق العاده تحسین و آفرین گفتند ، و موجب تعجب و حیرت هیئت حاکمه انجمن مقدس گردید ، سپس یکی از اطفال که در درجه دوم دبستان بود ، با لونی مایح و طرزی فصیح خطبه بعنوان تشکر از اقدامات قاطبه اعلیٰ بیدر عباس در تأسیس این دبستان مقدس قرائت نمود و چون وقت مصیق بود ، اطفال مرخص شده بمنازل خود رفتند ، و بحسب بدعای دوام دولت ابد مدت و بقاء و یابندگی مجلس مقدس شورایی ملی شیدالله رگانه ختم گردید -

لا یحیة است که از بندر عباس

بمجلس مقدس شورای ملی فرستاده شده است حضور مبارک آقایان عظام و کلاه محترم مجلس در الشورای ملی زادت توفیقاً هم ، نظر با اهمیت موقع عباسی از حیثیت وسعت و تجارت و باتیک و از اینکه مطمئن انظار دولت همسایه است برای این دولت علیه و ملت جلیله وجود تلگراف خانه که اختیار رشته آن با خود ما ایرانیان باشد واجب است

و اینکه تجارت ما سکنه بندر عباس ترقیات لازمه نکرده و باتیک دولت علیه در این نقطه مهمه در طرف تحلیل است ، اقوی است نبودن تلگراف خانه است در بندر عباس ، در می ماه قبل تقریباً اولیاء دولت علیه مقابله کردند با کپانی سیم انگلیسیها در تلگراف هندوستان ، صورت سواد مقابله مزبوره را لفاً برای اطلاع خواطر گرامی قدیم میداریم ،

بموجب بند اول سیم تلگراف از جزیره هنگام جزیره قشم که هر دو از جزایر ایران است و از جزیره قشم بساحل بندر عباس وصل شد بموجب بند دوم کپانی مزبوره که متعهد امتداد سیم از هنگام عباسی بوده ر عهده برآمده

بموجب بند سیم و بند هفتم (مسیوق نیستم) مقاد و پنج هزار روپیه که معادل پست و پنجمزار تومان است و اکثر مصرف آن سیم کشی است ، اولیاء دولت علیه با اداره مزبوره پرداخته اند یا اخیر ، هرگاه علت اینکه انگلیسیها سیم مزبوره را بدولت عایه ایران تسلیم نمایند پرداختن وجه مصرف فوق است ، یکفرد از ما ملت نمکی دارد که به تصویب و کفالت مجلس مقدس بدولت استقرار دهد .

بموجب بند چهارم دولت ایران مجبور است که تلگراف خانه در جزیره هنگام و بندر عباس بنا کند ، در سنه ۱۲۲۴ (مسیواسطاس) مدیر گمرک عباسی از طرف دولت عایه ایران مأور شدند تلگراف خانه در بندر عباس بنا کنند ، و اساس آنرا گذاشتند ، بدو انگلیسیها مانع شدند ، مفید نیافتاد ، عاقبت از دولت تلگراف خانه در کردند بایرا موقوف دارند و موقوف شد ، تاکنون تلگرافخانه در بندر عباس و جزیره هنگام دولت عایه بنا نکرده است ، و علت اینکه دولت از حق حقیقی خود صرف نظر فرموده بر ما ملت معلوم نیست .

بموجب بند پنجم دولت عایه متعهد است که در این دو تلگرافخانه حتماً باید مأمورین از بر سیم گذارد ، حال پست و پنج ماه است میرزا موسی خا سمرهنگ بریاست تلگراف خانه بندر عباس مأور و وارد شده و هر ماه مواجب خود را از تلگرافخانه بوشهر دریافت نمایند ، علت اینکه اداره کپانی انگلیس موجب اینخواره اقدام نه میباشد و سیم را تسلیم مأمور دولت عایه نمی نمایند معلوم نیست ، با آنکه سیم مزور متعلق بدولت و ما ملت است ما محروم از تجارت هستیم ، و تجارت ما اهل بندر عباس در تنزل و ریزیک دولت ما در خطر است ، با آنکه موجب بند پنجم کپانی انگلیس فقط حق دارند بکنار تلگرافخانه انگلیسی در تلگرافخانه ایران داشته باشد ،

دو سال قبل که رشته سیم موجب متوجه ساحل عباسی وصل شده برخلاف مقابله خود بند رشته بواسطه گیری خود ببرد ، کار گذاران دولت متهم عباسی طاع شد که اختیار رشته سیم در کنف خارجه افتد ، تا بحال رشته سیم در ساحل عباسی بدون

قیده بدولت و مات موجود، انگلیسها هرروزه از آن منمتم و ما که صاحب آن هستیم محروم چون اینواقعه قبل از تشکیل مجلس مقدس بود مشروحاً معروض داشتیم که بموجب مذاوله سم ایران تسلیم مأمور تلگراف خانه ایران شود و ما آسوده مشغول ترقیات تجارت خودشوم هفت بند مقاوله دولت عایه ایران اداره انگلیس تلگرافات هندوستان

مقاوله سم تلگراف هنگام و عباسی

بند اول اداره انگلیس تلگرافات هندوستان تمهد مینماید که همه اسبابیکه لازم است برای کشیدن خط تلگراف از جزیره هنگام به جزیره قشم به بندر عباس حاضر نماید

بند دوم کشیدن این خط تلگراف در عهد اداره انگلیس سم تلگرافات هندوستان است

بند سیم سم از تمام این خط دولت ایران باید اداره انگلیس تلگرافات هندوستان همه مخارج را بردارد بند چهارم دو تلگراف خانه دولت ایران مجبور است در جزیره هنگام و بندر عباس بنا کنند که مأمورین ایران در آنها مقیم باشند

بند پنجم دولت ایران تمهد است در دو تلگراف خانه مزبور فقط از ارایهها مأمور بگذارد، اما دولت ایران جاره میدهد اداره انگلیسی تلگرافات هندوستان که یک نفر تکراهی انگلیسی در تلگرافخانه ایران در عباسی داشته باشد برای مخاره در زبان انگلیسی از بندر عباس

بند ششم تلگراف فمی مخارج که از بندر عباس وارد تلگرافخانه ایران در هنگام میشود فوراً مأمور ایران تسلیم تلگرافخانه انگلیسی خواهد نمود، مخاره شود

بند هفتم مخارج کشیدن این خط نباید بیشتر از هفتاد و بیست و دو روپیه شود

اخذرات خارجه

اعلیحضرت ادود هفتم باتفاق ماکه انگلستان در فبروری ساحت (دباک و ماروی) خواهند رفت از (و ننگین) تلگرافی رسیده که در مبادله تخفیف شرکت فرانسه و امریکا عهد نامه امضا یافته

بموجب آن در گمرک شراب وارده از فرانسه فیصد بست تخفیف داده شده

در مجلس انتخاب واضمان قوانین اهالی (هولند) کامیاب شدند

(بیرن هیاشی) در مجلس شورای ملی ژاپون اظهار داشت، مخبرانی با حکومت (کندا) درباره امتناع دخول ژاپونیان در آنجا شده، و در این باب هم عقرب با دولت منجه امریکا قراری گذارده خواهد شد

با اینکه (مستر اسموتس) منکر است ولی در (جو هانسبرگ) مشهور شده که مسئله بود و باش اقوام آسیا زودی انفصال خواهد یافت

مخبر (روتر) خبر میدهد، که حکم و نجایه وادی (چمپ) داده شد

مجلس شورای اعیان عضویت (لارد کرزن) را منظور داشته و لارد موسوف قسم یاد نموده که شرکت در مجلس اعیان نماید (لارد جنبر) در انتخاب (لارد کرزن) عضویت مجلس اعیان اظهار مسرت نمود تلگرافی از (نیوبارک) رسیده که بتک ملی (نیواستردم) که دارای (۵۰۰۰۰۰۰) دالر سرمایه و بتک میکاکس که دارای (۲۰۰۰۰۰۰) دالر سرمایه بود بند شدند (سائیمول ابواش) بمهد (سالیستر جنرل) انگلستان مقرر شد

(سرهنری کمبل بزمن) رئیس الوزرای انگلستان در مجلس شورای ملی غیر حاضر بود بجای وی (مستر اسکویته) انتخاب شد

در (ترنسوال) زحمات هندیان برطرف شده ولی بطریق رسمی از لندن تاکنون خبری نرسیده، و حق لاکان این خبر در مجلس شورای ملی فوری اعلان داده خواهد شد

(سرهنری کمبل بزمن) و (مستر بافور) هر دو سبب علالت مزاج در مجلس شورای ملی شرکت نداشته و رئیس مجلس هم بفارضة وحج مفاصل مبتلا بود

مخبر (روتر) از شنکهای خبر میدهد که دزدان دریان قرب (کاشنگ) حمله نموده، ۱۴ نفر را مقتول و مجروح نموده، از این رو عبور و مرور کشتیهای چینی بین (شنکهای و لنگشو) معطل است

§ وقایع ننگار (دیلی تلگراف) از (جوها سبرگ) می نویسد که حکومت اراده دارد در اجرای بعضی احکام قانونی در جلوگیری اقوام آسیای که سخت است غور و رسیدگی نموده، و یکی از حکام عدالت العالیه را مقرر نماید که معاذیر اقوام آسیای را ملاحظه کند

§ مخبر (روتر) از (بریتوریا) خبر میدهد (مستر اسموتس) اظهار داشته که بیانات وقایع ننگار (دیلی تلگراف) بکلی بی اصل است

§ (سرهنگری کبیل بنرم) رئیس الوزرای انگلستان به اوضه زکام مبتلا، و از این رو در مصر (ویدرز) در مجلس وزرا برای شور برطاق پادشاه انگلستان حاضر نگردد
§ (سرهنگری کبیل بنرم) رئیس الوزرای انگلستان صحت یافت، و شرکت در مجلس و را نمود

§ در روز مولود اعلی حضرت امپراطور آلمان در پاریس مجلس با شکوهی ترتیب یافته، سفیر آلمان ضمن نطق خود اظهار داشته که همه روزه سلسله مودت و اتحاد بین ده این آلمان و فرانس مستحکم تری شود، و از مسامی و مجاهدات (مسیو فالیرس) ترقی اتحاد پیش از این هم منصور است، و ترقی قوای بحری آلمان فقط نیز برای نگاهداری امنیت است

§ فساد و اغتشاش مزدوران کارخانه نینه (لانکاشایر) بر طرف و طاقت شروط حالکان را قبول نمودند

§ تلگرافی از (جوها سبرگ) رسیده که اداره بلدیہ مستخدمین هند را معزول و بجای آنها مستخدمین انگلیسی میگذارد - هندیان که در عمارات اداره مذکور مستخدم اند و نامهای خود را در دفتر دواقی مندرج نه نموده گرفتار می شوند

§ سندات استقراضی جدید هند در (لندن) اینوقت با ترقی زیاد خرید و فروش می شود

§ آبنای انگلستان را این اوقات مه زیاد احاطه نموده، ایاب و ذهاب جهازات بکلی موقوف شده چه از ظلمت هوا راه عبور از نظر محجوب است، از مدت دواز چنین حادثه دیده نشده بود

§ مجلس وزراء انگلستان اراده نموده اند که قانون (لایسنگ) را به (مستراسکوویتسه) بسپارند، مظنون است که مجلس شورای اعیان بار دیگر بحث بر مسوده قانون تعلیم نماید

§ پلیس مخصوص در (کولومبیا) معین شده تا قانون جلوگیری مهاجرین آسیا را جاری نماید

§ (مستر لویید جارج) را عقیده این است که شاید اثر قلت وجه امریکا و آلمان به انگلستان هم سرایت نماید

ولی بر اهالی انگلیس چندان اندیشه نیست
§ سرکرده هندیان مقیم (ترانسوال) می نویسد که فعلا (۲۰۰) نفر اهالی هند مفید اند - (۱۲۰) نفر را حکم به تبعید شده - (۲۰) نفر را پلیس حکم با-ضار به محکمه داده، ۳ نفر جینی نیز در حبس است و ۲۸ نفر آنها را هم حکم به تبعید شده، مظنون است تا سوم فروردی همه آنها مفید شوند

§ مخبر (روتر) از ترانسوال خبر میدهد که رفع مصائب هندیان مقیم ترانسوال و اصلاح امورشان شده و برای درج نامشان در دفتر حکومتی سه ماه مهیات داده خواهد شد، و بز معاذیر هندیانرا ملاحظه کرده ترمیمات لازم خواهد شد، آبهائی که مفید اند رهائی داده و سرکردگان اقوام ترغیب و تشویق داده که باید نام شان را درج دفتر دواقی نمایند

تلگرافات

(۲۶ ذیحجه - ۲۱ جنوری)

§ در (ترانسوال) آنچه از اهالی هند محبوس بود رهائی یافتند .

(۲۷ ذیحجه - اول فروردی)

§ خبری از (کبیل ناور) رسیده که دو کتر (حسین) از عهده خود استعفا داده است .

§ (مستر میرعین) در تدارک تشکیل وزارتخانه (کبیل) می باشد .

§ از اداره قرطانه مصر اعلان شده که ز ۲۰ جنوری کسی را مکمل معظمه بمرض و ما مبتلا نشده است .

§ در (برنس کولمبیا) مسوده قانون مهاجرین آسیائی را بار دیگر فرائت نمودند .

§ اعلی حضرت امپراطور آلمان روز مولود خود اظهار داشته که امیدورم در آتیه خداوند عالم در دنیا امنیت عطا فرماید .

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که دولت ژاپون اهالی را از سروده به ممالک متحده امریکا ممنعت نموده است .

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که معاون وزیر خارجه اعلان نموده که ژاپونیان بموض رفتن در ممالک متحده امریکا در (جایی وارجتیا) بروند - و مصاحبت ژاپونیان هم در این است .

§ در (لسبن) فرقه مخالفین جمعی از سرکردگان هواخواهان دولت متحده امریکا را که (وایکانت) نیز منجمه آنها بود گرفتار کرده - فرمان شلی صادر شده و مخالفین را حکم محبس ابد داده اند

تکرف روز راجع ایران

§ موج حلبکه از (پتر-برگ) رسیده کیهیون سرحد بندی ایران و عثمانی در روز شروع به کارروائی نموده - حاکم (وان) بطریق رسمی اظهار داشته که سرعسکر عثمانی را در تاریخ ۲۵ جنوری حکم داده انقلاب کردان و پیش قدمی ساوجبلاغ را انسداد نماید و سرعسکر هم اطاعت حکم نموده است -

§ (سر دوردگری) وزیر خارجه انگلستان در مجلس شورای اظهار داشت که دولت انگلیس به سار دول اروپا تهریک نموده که جبهه حفظ امنیت و رفع افشاشات (مقدونیا) قشون از دول معین شود که تحت الحکم افسران اروپائی باشد و اختیار اشظام آنجا را بدست خود بگیرد و افواج ترکی (مقدونیا) را کشته و از آن راه مصارف قشون اروپائی داده شود تا بر عثمانی هم خساره وارد نیاید

حبل المتین

خوب است ایرانیها بدقت غور نموده ملتفت شوند که نیمی عثمانی در سرحد از نوع خواهی و اخوت اسلامی نبوده ، بلکه بواسطه گرفته ری او در مقدونیاست ، و بزبان باری این همسایه خادع خود قناعت نه نموده از پای نه نشینند تا حقوق خود را از عثمانی حاصل و قشون او را از سرحد متنازعه خارج نمایند ورنه بشبان خواهند شد وقتی که بشمانی را سودی نباشد

تأسف

عمده لایمان جناب حاجی آقا محمد جواد شیرازی که از اعزّه و اجله شرفا و نجار عصر خود بود و بالغ بر چهل سال در مندرله بعزت و شرفت زیست و در نزد جمیع اقوام از رؤسا محسوب و مایه تخر ایرانیها بود در پست و چهارم ذی حجه ۱۳۲۵ این جهان فانی را وداع و بدرود زندگانی نمود - از حسن رفتار و نیکی اطوار آن مرحوم عموم اهالی مندرله متأثر و متألم گردیدند ، بسیاری از ارکان حکومت و اعیان شهر در تشییع جنازه تا مسجد ایرانیان که محل دفن قرار یافته بد شرکت داشتند رحمة الله علیه

از خداوند صبر باز ماندگان و ترفی آنان را

خواه کاریم

قتل پادشاه برتکیز و ولیمهد آن

§ پادشاه مستبد و ولیمهد بیگناه (برتکیز) را قتل رسانیدند درباره قتل پادشاه و ولیمهد (برتکیز) تلگرافی

از (لبن) بدین عنوان رسیده ، چند روز قبل خانواده پادشاه از قصر (ویلاویکوسا) آمدند ، پادشاه و ملکه و ولیمهد و شاهزاده (منویل) در کالسکه سرواز وقت عصر جبهه تاج می رفتند ، جی از حریت طلبان قرب (بلاک . . . س) جمع بودند ، همینکه کالسکه از آنجا عبور کرد شاک . . . دند ، پادشاه و ولیمهد را زخم سخت رسید ، شاهزاده (منویل) هم قدری مجروح شد ، فوراً ملکه ایستاده خود را سپر ولیمهد ساخت ، ولی صدمه به معظم آنها نرسیده ، پلیس بر قاتلان شاک کرده دو نفرشان را هلاک ، و یکی را مقید نمود ، وی هم در قید خانه خود کشتی کرده قشون محافظ تصور شاهی را می نمایند ، وزرا نصف شب در مجلس شورای ملی مجلس فوق العاده منعقد نمودند و شهر تحت الحفظ عسکر است ، و اهتمام بدیع در امنیت شده ، فعلاً شهر من و هالی بسیار مضطرب اند ، دکاکیں همه مسدود است ، ملکه تا زمان بلوغ شاهزاده (منویل) بیات مشغول انجام مهم دولتی خواهد بود محبوسین قدم را در خیمه ها جا داده ، وقید خانه محلو از محبوسین حدیث است ، بعضی از افسران بری و بحری را نیز ملزم در این قتل قرار داده اند ، بعد از مجروح شدن پادشاه و ولیمهد را در اسلحه خانه برده - پادشاه در بین راه و ولیمهد در اسلحه خانه نرسیده جان بحران آفرین تسلیم نمودند ، نفس هر دو را در قصر (پستند ادس) گذرده فوراً اعلان نحت شبینی شاهزاده (منویل) در (لبن) رسماً داده شد ، جرح مشارالیه مخوف است ، و روه پیوسته میباشد - خبر این قتل مورث اضطراب و توحش تمام ممالک اروپا شده ، ادورد هفتم ، و ملکه انگلستان تلگراف تمزیه به ملکه (انلی) نموده - و اظهار تأثر از این خبر نموده این واقعه بحدی برایشان اثر نمود که مسافرت (دنمارک - و سود) را موقوف کردند - اهالی (برتکیز) تماماً اظهار تأسف و همدردی در عاده قتل ولیمهد می نمایند و منتظر حکم خادان شاهی هستند ، ملکه (انلی) با (ستر فرانکو) و هوا خواهان دولت و مات مشاوره می نمایند

§ شورای وزرا در (لبن) شب گذشته منعقد

شد ، شاهزاده نابالغ (منویل) و ملکه و (دبوك آف

اوپورتو) اشترك داشتند. همید هر فرقه اتفاق در تشکیل

هیئت کابینه جدید نموده ، نائب امیر البحر (فریره دوا

ماره) را حکم شد در تشکیل کابینه اقدامات نماید

§ کالسه شاهی که از مصر (ویلا ویکوسا) بیرون آمد و حمله بر آن شد، محال الحفظ قشون بوده، جوانی ر کالسه حسنه در پهلوی پادشاه ربولور خالی نمود، ماکه گارسته که در دست داشت و ولیمهد با تعلیمی خود روی زده، تهاشایان قاتل را از کالسه بروی زمین انداخته، بلیس او را بقتل رسانید، در این بین شخص دیگر ولیمهد را هدف گلوله نمود، و میخواست گلوله دیگر خالی کند، افسری او را بقتل رسانید، شاهزاده (منویل) را از دور خروجش ساختند، منظره اسامه شاه خالی درد انگیز بود، ملکه (ایلی) گاهی بر نعش شوهر گریه میکرد، و گاهی در بایں پسر آه و رای می نمود، و تمام شب نعش شوهر و پسر را در آغوش گرفته مینامید، یکی از قاتلان معلم مدرسه ر دیگر می ملازم مقاره بوده، پادشاه انگلستان واسپایا حکم داده اند ملت شان تا یک ماه و امپراطور آلمان فرمان داده تا سه هفته در اباس حرا باشند

§ (سئراکو) از تشکیل وزارت استعفا نمود اقدام در تشکیل هیئت وزرا شده است، قاتلان پادشاه و ولیمهد از بومبار (پرتکیز) میانند، دسته جهازات (اتلاک) از (ویگور) مبعورست و (لسبن) برود ولی ظر بر اینکه اغتشاش زیاد بشود یک (اکسپلوتیه) و یک کشتی موشک شکن فرستاده شد

§ در شورای ملی آلمان رئیس مجلس اطهار تأسف بر قول پادشاه و ولیمهد (پرتکیز) نمود و فتنه رئیس نطق می داد هو داران حریت خارج از مجلس شدند رئیس مجلس شورای ملی فرانسه هم نطق تأسف آمیز داده همان قسم حریت طبایا (یاده جوش و خروش نمودند (لارد رین) در مجلس شورای اعیان و (سرهنری کبل بزمن) رئیس لوراسیسی انگلستان در مجلس شورای ملی نطق در این خصوص فردا خواهند نمود

§ اناب امیرالبحر (فریره دواماره) عاقبت تشکیل و برای (پرتکیز) را نموده عماید و رؤسای هر فرقه و عده دیگر هم هم می نمودند

§ تکفین و تدفین پادشاه (پرتکیز) ۲ فروری خواهد شد، مظنون است ولیمهد انگلستان و (نوک دووستو) شرکت نمایند

§ خبری از (لسبن) رسیده که وقت وقوع قتل بدست شاهزادگان ربولور بود و شاهزاده (منویل) و شلیک بر قاتلان نمود.

§ (شاهزاده منویل) رئیس شورای دولتی اطهار داشت که بن بی علم و ناشخربه کارم، لذ خورد را بشما میسپارم شما باید هم بیاید باشند و غفلت در کارها نکنید و از روی حب الوطنی مدد بمن نمائید.

§ (لارد رین) در مجلس اعیان و (سرهنری کبل بزمن) رئیس لوررای انگلستان در مجلس شورای ملی نطق تأسف آمیز و رد انگیز نسبت بحال حایبه (پرتکیز) داده و ر وقوع این واقعه اظهار هم و غم نموده و یک تمزیه داد و حدس شاهی کرد. هر دو مجلس تحریک لارد رین و رئیس لورر و تأیید نمودند

§ برداشتن نعش پادشاه و ولیمهد (پرتکیز) را قدری تعویق افتد چه نزدی ممکن بود رای جنازه پادشاه صندوق ساخته شود.

§ (پادشاه منویل) بر فرمان دستخط نموده که بموجب آن آزادی و رعایت و حرایت داده می شود، و مجلس شورای ملی خطبات کامل میدهد جمله حاکم کمسیون استصامیه که عوض اداره بلدی در شهرها مبرر شده بود. تقاضا میدهند

§ (پادشاه منویل) ظمیر داشته که وفاداری و هم امی و دروا با دولت درین قصه نمانت گردیده است § (دوما) ی روس هم امهر همزدی و تأسف روی پادشاه و ولیمهد (پرتکیز) نموده در این مجلس استیجای جوع هوا حریت حاصل شد

§ محبر (رور) از (لسبن) خبر میدهد که بسیار حی تعجب است که از هر طرف بر فاط و ولیمهد اطهار تأسف نموده می شود، ولی بران باده هیچکس افسوس نمیکند، و هیچوجه علامت هم و سم رفتل و در احدی دیده نمیشود (عانت وضع است که در دره متبذ بود و ولیمهد سیدناه مرور احدی هو در امیدد بسته

— شاه و ملت ایران —

— ترجمه از روزنامه ولز —

۲۲ جنوری ۱۹۰۸

رتگر فات امیره و سلمه را برار ظاهر می شود نه با حواصن وضع ادیم باز یک حاتف دروغین برکب مقصود خود سوار گردیدند در آغاز بلوای آخرین ایرابها چندان گرم جنیدند که سراسرولف عالم دوره صعود اختر ایران را قریب دانستند، ولی بقسمی هم سرد گردیدند که معلوم شد یک دور دیگر در ریدن ایام سعادتشان اتی است

اعلیحضرت محمد علیشاه از بدو جلوس بر عالیان خود را مخالف مشروطیت معرفی نموده، مات اصلی همانا بی تربیتی اسرا و پادشاهان آسیا خاصه ایران است، که بواسطه معرفت اناطی روسان، و رسوخ و نفوذی که آنها از دولت خود در قلب آن جای میدهند تبعیت روس را بر استنلال خویش مریح میدارد و همین ملاحظات بود که سیاسیدون وضع آئینه ابرار اطمینان بخش نمی پنداشته، چه پیشرفت مشروطیت در سایه اتحاد مات و دولت است، در حالیکه فطرت شایع مخالف و ضد مشروطه معرفی شده، محال است کارهای ملت و دولت ایران در عرای صحیح قرار گیرد

تالکراف امرور بار ظاهر میدارد که مجدداً شاه سر ملت را پیچیده است در هر فشاریکه مات به پادشاه جوان خود داده در اسکان آنها وضع تازه قسمی خورده است، ولی چون قسمش زبانی بوده، و باطناً همراهی نداشته، همه روزه يك مایه تازه در پیش رفت امور تراشیده است، ازین رو طاعتی توأم آخرین تسلیم و حاش پادشاه را تصدیق کنیم و منتظر همراهی او در مشروطیت باشیم، زیرا هرکس عجز بر نامری که مخالف با طبیعت اوست بشود محال است در پیش رمت آن امر جدا همراهی کند، بلکه در هر مورد که امکان پذیرد اسباب اختلال را فراهم خواهد نمود

شبه نیست که اسباب ترقی مات و دولت ایران از هر جهت فراهم بوده و هست و اگر از اندای جلوس خود شاه همراه شده و مخالفت نمی نمود، بیش از ده ساله اول ژاپون درین دین و بل رمان ترقی می نمود تمام انقلابات بلاد و اغتشاشات سرحد عاماً خود آورده و نتیجه مخالفت شده است

دانیان فرنگ را عقیده این است که سلامت شاه و صلاح خانواده او این است که بصرافت طبع ترك تاج و تخت گفته، و با عهد معصوم خود وا گذارد، تا مات با اختیار خویش او را تعلیم و تربیت نموده، بایب السلطنه بری او برقرار داشته، کارها را از روی صحت از پیش به برند، و تا وقتی که و با عهد شان که ده سال دارد بمر لابق سلطنت برسد همه خرابیهای ایران اصلاح شده، و ایرانیان در جاده ترقی افتاده اند، و بواسطه تعلیم و تربیت موزون هوا و هوسهای سکه پدرش بر سر دارد او نخواهد داشت، و این وضع ممکن است سلطنت درین خانواده باقی ماند، ورنه خوف آن است که پادشاه ترك عادات دیرینه نگفته، نفرت مات را تجدید، و اتحاد را بفضب آورده درین ضدیت یکدفعه انتزاع سلطنت ازین خانواده بشود،

میتوان گفت که ایرانیها احکام تالکرافانی رؤسای

روحانی خود را در حق این پادشاه و مخالفت با مشروطیت فراموش نمایند مشکل آنکه احکام روحانیان ایران مانند روحانیان اسپانیا برگشت هم ندارد، ولو اینکه بواسطه موانع فوری اجرا نشود، ولی هرگز از نفوذ خود نمی اوقتند

فراموش نمیکند حکم چند سال گذشته روحانیان را در حق میرزا علی صفر خانب صدر اسبق ایران، بجزردیکه در موقعش پس از چندین سال خوانده شد اثر خود را فوری رمت بخشید، و طولی نکشید که کار او را تمام کردند، عاای جمیع بلاد ایران محمد علی شاه را باسم و رسم و بواسطه مخالف از مخالف قرآن که در حکم ارتداد است از سلطنت طاع نمودند، ولو اینکه امروز این حکم اجرا نشد، ولی از نفوذ نخواهد افتاد، و از قلوب مات این حکم خارج نخواهد گردید و خیلی بیم آراست که اگر این مناقشه بطول انجامد، و رفته رفته بزرگ شود، صدمه عظیم با استقلال ایران هم وارد آید آنچه به تحقیق پیوسته آتش بلوای اخیر ایران را روسها افروخته، و یا خیلی دامن زده اند، و بهمان بالش نرمی که روسها زیر سر شاه گذاشته اند این واقعات پیش آمد، ولی بعقیده دانایان فرنگ روسها دست و پای مفت میزنند، و این حرکات به بلتیک آینده آنها زیاده ضرر خواهد زد، دولت روس از عهده رفع انقلاب داخلی خود بر نمی آید، بر فرض که ایران را هم مفشوش نمود، اول آنکه برای تصرف مایع بزرگ دارد، و در صورتیکه مانع هم رفع شود، روس از عهده انتظام این مملکت جنبیده و امنیت آن مات بیدار شده هرگز نتواند برآمد حیثیت مایه ایران که عبارت از عناصر واحده است غیر از ترکیب رعابای روسیه میباشد، که از عناصر مخالف تشکیل یافته، و نیز بیداری مات ایران را نسبت به بیداری مات روس نمیتوان داد، دولت روس در مات خود واجب الاطاعه است و در ایران واجب التخلف، بر فرضیکه تمام این موانع را هم روسها بهیچ نشمارند، خزانه روس آن طاقت را پیدا خواهد کرد که بتواند از عهده چنین مصارف هنگفت بر آید،

عجب این است که امپراطور روس رسماً اعلان میدهد که در معاملات داخلی ایران هیچگونه تصرفی نتواند نمود، ولی روسهاییکه در ایران بطریق رسمی یا غیر رسمی در دربار یا غیر دربارند، این نکات سیاسی را ملاحظه نموده جاهلان اینگونه بلواها را فراهم می آورند، و عاقبتی بسیار وحیم برای خود مهیا می نمایند، بدون اینکه هیچ گونه فائده بلتیکی بدولت شان باید گردد

جبل المتین کلکتہ

ہدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablu: Matin Office.
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

وکلا ذمہ دار ابویجات مشترکین اند
(بدل ابوتہ اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانہ - شش ماہہ

ہند و برمه

۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

نامہ مقدسہ

المتین

سنہ ۱۳۱۱

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

ہر دوشنبہ طبع

ہر شنبہ توزیع میشود

ہر دو شنبہ

۲۱ محرم الحرام ۱۳۲۶ ہجری

مصادف با

۲۴ فروری ۱۹۰۸ میلادی

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(ادارہ درج نمیشود)

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملتی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست)

قول بدون فعل

نتیجہ معکوس می بخشد

درین ہفتہ تلگرافی از طهران بروزمانہ (طمس) لندن بدین مضمون رسیدہ : دو افسر روسی بادو مرادہ توب و پست و ہفت نفر قزاق وارد آستانرا شدہ ، کہ باردبیل روانہ شوند، با اینکه ادارہ گمرک ایران آمازرا حمایت نمود از حیلان خود باز نیامدہ ، و بدان حمایت اعتقادہ نمودند

(من کہ بدعی بالیس فیہ کذبہ شواہد الامتحان) چہل روز قبل بدون اجازہ وزیرخارجہ روسہا محدودی قزاق باسب تحفظ قونسلاخانہ از سرحد ایران گذرانیدہ ، و بہمان وضع انگلیسہا ہم در اہواز رفتار نمودند ، از طرف دولت درین حرکت بی قاعدہ مخالف قانون چہ اقدام شد مطلع نیسئیم ، فقط جبزیکہ معلوم است از طرف ملت در دارالشورای ملی بہمان جمع و طرح زبانی قناعت ، و بعضی کلمات مہیجانہ میان ہی استعمال شدہ ، حقیقت قول بدون فعل کہ نتیجہ معکوس است حاصل کردہ اند، برای اثبات این مدعا گویا تلگراف مذکورالفوق کہ درین ہفتہ رسدہ کافی باشد

تقص بزرگ ما این است کہ آنچه زبانان میگویند سرمان خبردار نمی شود ، و این صفت در ما از آن پیدا شدہ کہ حین تنطق بہبجوجہ فعالیت را در نظر نمیگیریم ، و ہمارہ بقول خودمارا خوشدل داشتہ ایم ، چون قوہ متغیبلہ مال هیچ اقدام بفعلیت حظور ندارد، ہر آنچه امروز گوئیم تقسی فردا از یاد دہیم (کان لم یکن شیئاً مذکوراً) گویا چنان صحبتی ہرگز نکرده ایم

بقول طمس لندن : ایرانیہا عقیدہ غریبی بانرات سیم تلگراف دارند ، و در آئینہ خادارشان چنان حلوہ گر است کہ دو کلمہ تلگراف انقلابا ، یک سرحد بزرگ کہ یک اردوی معطلی لازم داشتہ اند رفع می نماید ، بندہ عرض میکنم (زاد فی الطنبور انمۃ الحری) عقیدہ نازہ نیز درما ایرانیان بروزنمودہ ، یعنی صحبت وکلا را در مجلس مقدس بقدری مؤثر میدانیم کہ مستغنی از ہرگونہ حمایت ہر پنداریم ،

مثلاً بجزردیکہ وکلای محترم در تہاس مقدس بہ ہمسایگان ہدایات زبانی نمودند ، و نشرہای پلٹیکی زدند، و ملت ایران را بیدار و متعین و امنیت پسند و صالح خواہ گفتند، و برای متوس اجانب خضاب شدن ریش علما را بخون شان ذکر کردندہ بقین می نمانم کہ

همسایگان ماستارا کیسه انداخته ، بینک شده ، نوك نوك تازی کرده ، اجحاف و زیادتی را کنار خواهند گذارد لطف اجاست که بعضی از وکلای محرم را هم این عقیده بقدری راسخ است که چون دهن بسخن گشایند ابدأ معنی کلام خود را ملتفت نشده ، تصور نمی نمایند که مباحثات مجلس مقدس شرق و غرب عالم میرسد ، و محل تأمل موشگافان سیاسیون دنیا واقع میگردد ، و آن سخنان تو خالی را میزان سیاست و دانش تمام مات قرار میدهند .

چقدر مناسب است حضرت رئیس سخن رانی این گونه وکلارا مجلس سری حواله فرماید ، یا همین که خواستند شروع بسخن نمایند زنک بزنند ، و روزانه دیگر اخبار مجلس را به نظر شان برسانند تا ملاحظه کنند که چه درافتائی کرده اند ، شاید برای آتیه متنبه شده مال اندیشی اختیار نمایند ، چه برخی گفتگوهای بی مغز در مجلس نرید بر قوت قلب و جرئت در جسارت همسایگان میگردد ، چه شواهد امتحانات دو ساله آنها این سخنان از مغزهای را تکذیب نموده است

ما منکر نیستیم که تقریبات وکلای مال دربارمانها همسایگان را مرعوب نتواند نمود ، ولی در صورتیکه بر اثر قول فعلهم مشاهده شود ، و همسایگان مسبوق باشند که قبل از اظهار بقول عملا هم وکلا اقدامات کرده اند ، نه مثل پارلمان ما که دو سال است وکلا بقول تنها خواسته اند همه کارها را از پیش به برند (مرد آن است که لب تند و بازو بکشاید)

هرکس بعنوان اخباری آشناست میداند که در این ایام اخیره آثار کشتی بین دو بحر (یعنی دولتین روس و عثمانی) نمایان گردیده بود ، و قبل از اینکه زبانا از هیچ طرف ظهاری شود ، عملا شروع بمقدمات شده هر يك در داخله خود بتدارکات قشون پرداخته و در سرحدات خویش به تهیه لشکر کشی مشغول گردید ، همین تدارکات عملی بدون يك کله اظهار زبانی هر يك حساب کار خود را کرده ، از اجحاف و زیادتی به یکدیگر باز آمدند

آخر این همه هججاف قوی در مجلس مقدس درین مدت منادی کدام يك از پیش قدمهای عثمانی را

درخك ایران جلوگیری نمود؟ ولی برعکس اگر بعملیات پرداخته شده بود ، و ده فوج در سرحد قشون حاضر نموده بودیم ، و يك کله هم در مجلس ازین موضوع صحبت نمی شد هرگز عثمانی اقدامی نمی نمود که محتاج باین گونه اظهارات شویم و همسایگان دیگر ما هم حساب کار خود را نموده ، به بهانه های بارد جرئت تقلید از عثمانی نمی نمودند ، که مجددا بعضی از وکلای محترم ما عبور به ابراز سخنان تو خالی در مجلس بشوند

بشده عرض نمیکم که وکلا ضامن عملیاند ، بلکه مقصود این است که قبل از تدارک در عملیات نباید بسخنان تو خالی رعب خود و ملت خویش را از دلها زائل نمایند ای همفلان بنده ، ای ارباب معارف و جرائد ، و ای وکلای محترم ملی ، ببالک للک سوگند در طریق کعبه مقصود داریم ره ترکستان می بومیم ، بیانات صالح خواهانه و اظهارات تمدن نما و یا رجز خوانیهای مرعوبانه ما بهیچ وجه همسایگانرا از اجحاف و زیادتی با باز نخواهد داشت ، بوسکننده عرض میکنم همسایگان دندانهای ما را شمرده ، و این سخنانمانرا مبنی بر عجز و انکسار و تنی مغزی قرار میدهند ، و ابدأ بر قلب آنان اثر نمی باید ، و بزبان حال میگویند

(تواضع ز گردن فرازان نکوست)

صالح خواهی ما را از غم بی آلتی میگویند ، و بیانات امنیت پسندانه و تمدن نمایانرا از سستی عنصر و تنبلی و تن بروری می بیندارند ، و رجزهای مرعوبانه را دال بر قلت عقل گفته ، و جمیع این مراتب را دلیل بروحشت ما گرفته ، میکنند بر ما آنچه میخواهند

اگر مات ابراییه میخواهد زهر چشم همسایگان خود نشان دهد ، اگر میخواهد آنها را مصدق تمدن خویش سازد ، اگر میخواهد سخنانشان در قلوب آنها تولید رعب نماید ، اگر میخواهد اقرار بصاح خواهد آنها کنند ، اگر میخواهد به نظر مساوات و اخوت و دوستی و وقار بر آنها بنگرند ، هر شکل هست قوای دفاعیه تحصیل کند ، عملا مستعد حفظ وطن خویش شود ، در راه استقلال و حریت ، مطلقه خود جدا سر بازی اختیار نماید ، با متهای دوست همسایگان را تهدید بقوای خویش کند ، با کمال نزاکت سنگ سخت خود را در پاداشت کلوخ انداز شان نشان دهد ، و هماره مشنهای خود را

گرم کرده در نظر آنان جلوه دهد که خواه ملت
وحشی باشد یا متمدن

(عروس ملک کسی تنگ در بغل گیرد)

(کوه بوسه بر لب شمشیر آبدار زند)

متفق علیه جمیع سیاسیان میباشد که امنیت اروپا
در سایه قوای متمدنه دول قائم است. اگر ایرانیان
امنیت مملکت خود، و حفظ وطن عزیز خویش و
حریت و استقلال مطلقه ملیه را خواستگار اند، ناچار
باید قوای دفاعیه خویش را همزمان همسایگان خود
تربیه نمایند. که آنوقت هم باغ خواهند بود و هم رشید
هم متمدن خواهند بود و هم قابل آزادی و استقلال ملی.
ورنه صغیر خواهند بود و وحشی، مستوجب عبودیت
بشمار خواهند آمد و زیر دست، هر قدر بگوئیم که بواسطه
مدنیت طبیعی ما صرف نظر از قوای دفاعیه کرده ایم،
و بملاحظه نوع خواهی و صالح پسندی دست بروی
دست نهاده تا دشمن برادران طارا قتل کرده، و
خواهران ما را اسیر گرفته اند، بخدا قسم همه به ریشمان
خواهند خندید و به نظر استیزان این سخنان خواهند
نگریست

مشکل این است که ما سوراخ دعا را تم کرده، و
تمدن معموله اروپا را بحسب سابقه خود معنی می مائیم، و
بباز آن ساده تر چنان در نظر ما مجسم شده که ملت
متمدن، یعنی امت مادی، منتهج، مذهب لاخلاق، راستگو،
راضی بمقوق خویش، بی خواه نوع انسان، باطنیه، ماکه
مدیس و پرهیزگار، و حال آنکه تمام این صوررات
اغلوطة محض است، نمائیکه ضرب المثل اروپائیان میباشد
و تکیه کلام جرائد دنیا فقط عبارت است از ملتیکه
قوای دفاعیه او کامل باشد، و درجه اعلا تمدن آن
است که معتد بر بدست اندازی ممالک دیگر باشد،
بچه دلیل؟

بدلیل اینکه فرانسه امروز مهد تمدن معروف، و
فرانسویان متمدن ترین ملل اروپا بشمارند، هیچ کار
بواقعات صد ساله گذشته نداریم، در پیش چشمندان است
که نسبت مراكوئیان چه ظلم و ستم روا داشته اند، آیا
کسی از متمدنین اروپا میگوید فرانسه حرکت وحشیانه
می نماید؟ آیا احدی میسرا بدهد که فرانسویان ظلم و اجحاف
مراكوئیان میکنند؟ آیا هیچ از کسی شنیده اید که

اعالی مراکو مظلوم واقع شده اند، چرا؟
بهان دلیل که عرض کردم مراكوئیان چون
قوای دفاعیه نداشته وحشی نسایم شدند، و فرانسویان
چون قدرت مهاجمه دارند متمدند، اگر گناه
و وحشقی جز عدم قدرت برای مراكو ثابت توان نمود
و با اصطلاح امر، زه متمدن تری از فرانسویان دارند
حسب است. ما هم بفهماید تا از عقیده خود باز آیم
بحدوقی استیت سوگند که معاهدات و قانون
بین لدول و کنگره صالح لاهی همه برای درجات متساویه
است، و در ماده نویسی و ضعیف تولیدیکه نموده
نتیجه آن ضرر ضعیف و نفع قوی است، آیا هیچ
مانفت شدید که اول درجه متمدنین در کنگره صالح لاهی
چه حضری بریا کرده، و چه خود غرضی بروز داده
و بچه حیل میخواستند از دول ضعیفه منافع خود
را حاصل نمایند؟

باشندگان حبش تا دیروز که در قید اسارت ایتالی
بودند نامشان در وحشت ضرب المثل بود، همینکه
زدند ایتالیا را از خاک خود خارج نموده طوق
عبودیت احاطه را از گردن افکنده، قوای دفاعیه
برای خود حاصل، و بیای خویش توانستند ایستاد،
فوری بدون هیچ تغییری در صفاتشان متمدن شده،
و تمام دول حتی ایتالی ما او سلوکی که با دول متمدنه
می نماید مرعی میدارد

تا دیروز چنانچه امپراطور کوریا در جمع پای خت
های اروپا موجود، و تمام دول ما او سلوکی نه با
دول متمدنه نموده مرعی میداشند، همینکه از مدافعه
طعم عاجز ماند فوری سب لباس تمدن از او گدید،
و امروز جمع ملل دنیا به نظر وحشت باوه میگردد،
گویا اربین بیانات هیچ شبهه برای وکلای محترم ملی و
هم قلمان بنده در معنی وحشت و تمدن با اصطلاح
امروزه اروپائیان باقی نمانده باشد

با این ادله معروفه اگر ایرانیان میخواهند
خریشتن را در قطار دول متمدنه بشمار آورند، و خود
را رشید و عاقل و مستقل گویند، بدون اینکه اظمار
عجز و لایه نموده، و وسائط عاجزانه برانگیزند،
و یا رجز خوانیهای سرعرباه کنند، خود را صالح
پسند و خیر خواه عوالم انسانیت جلوه دهند، فکر

قوای دفاعیه نمایند، که پس از تحصیل آفت اگر روزانه هزار گونه اسباب قتل و غارت در خاکشان فراهم آید، و از سر تا پای فرد فرد مات وحشت بریزد، خالی برارگان تمدنشان نخواهد رسید، اگر برای این کلام هم دلیل بخواهید، حرکات وحشیانه ملت و دولت عثمانی و روس را ملاحظه کنید، که ابلهت عالی و جانی در محاکمشان برای رعایای خودی و بیگانه عفت است، قتل و غارت و تصیبات مذمه از اعمال عاده آنها میباشد، شهرهایشان همه منوشوش، راه های شان همه نا امن معذاک کسی را مجال آن هست که آنها را غیر متمدن گوید؟ آیا هیچ دولتی میتواند مجرم این حرکات و وحشیانه تصرف در امور داخله آنها نماید؟ آیا سدهایک روسها بهبود و آرامش و مسالمت زده و میزنند کسی حمل بر وحشت نموده؟ آیا کسی مانع از آنها ظلم و تعدی شده؟ هزاران نفوس بیگناه ایرانی در اغتشاش آخری قفقاز کشته گردید، آیا ایران جرئت کرد که یک نفر سرباز براسی حفظ قونسلخانه و رعایای خود بفرستد؟ آیا توانست یکدینار بده مطالبه کند؟ جرآمدی قوت داشت و حرف حسابی بگوشش فرو نبرد

ولی چون طارا ضعیف دیده، باسم حفظ ما تقدم، و به بهانه تحفظ قونسلخانه های خود، عده از قزاق را بدون اجازه در سرحد ما داخل نموده، همان دلیل که او متمدن و ما وحشی هستیم، یعنی او قوای دفاعیه و مهاجمه دارد، ما نداریم

یاد دارم چند ماه گذشته درین شهر شهر که پای تخت هندوستان و دوکورو و نیم ایران نفوس دارد، با اینکه انگلیس ها خیلی بانظامات خود نازانند، در وسط روز بازاری که به (شام بازار) معروف است غارت کردند، و بعضی ها پلیس را علت غایب این غارت میگفتند، احدی نه پرسید این حرکات وحشیانه در پای تخت هندوستان چه معنی دارد؟ ولی با این تبدیل و تغییر و انقلابات عظیمه ایران بمجردیکه در بیابان آهم نصف شب قاطعان طریق جلو خانه را گرفتند شیپور وحشت ما در تمام عالم زده می شود، چرا؟ میدانند اسباب وحشت در ما جمع است، یعنی قوای دفاعیه نداریم،

بواسطه همین نکته که وحشت حقیقتش باید گفت

زمان ما هم در جواب آنها الکن است، و هر روز که تلگرافات (روت) را ملاحظه میکنیم باید همینکه باسم ابراف رسیده بدانان مانند بید بلرزد، که دیگر چه وحشت تازه را از ما ابراز داده اند

با کمال سرافکنندگی عرض میکنم، که به نکارش برنی از هم قلمان بنده و نطق بعضی از وکلای محترم ما، سیاسیون عالم و حراند خارجه قهقهه میزنند، براسی تصدیق این عرض یک جمله از روزنامه (ویلز) را ترجمه می نمایم

روزنامه ویلز دوم فروردی می نویسد

ایرانیان با اینکه با داتره مشروطیت نهاده، دو سال است با کمال مقاومت دست بروی دست گذارده، واسطه انگیزی را سیاست، بیج و حیانت را صلح بستندی، خضوع و خشوع را تمدن، تن بروری و سست عنصری را نوع خواهی نام نهاده، با این سرمایه اعتبار متوقفند که طالبان را مصدق دعوای خویش قرار دهند، و با این دعوای زانی خواستگارند که روس و انگلیس دست از آنها برداشته، بلکه با زر و زور عثمانی را از خاکشان خارج کرده، تمدن نامه خود را با مضامین آنها برسانند، ایرانیها معنی تأییدات پلینکی را ندانسته، این است که رنج دیگران و راحت خود را می طلبند، می بینیم که اگر مشرب و مسلک ایرانیان تاچندی بدین منوال ماند فلای آنها از مسلمات سیاسی، و تقسیم شان از واقعات حتمیه است

بنده که هیچ جواب حسابی ندارم به نگارنده این روزنامه بدهم، چه دو سال است عثمانی بنا بری تجاوز را در خاک ما نهاده، جز نه نه من خرابیم، و گریه وزاری، و واسطه انگیزی به نمایندگان دول سائره هیچ نکرده ایم، عثمانی هر ماهی چند در خاک ایران فرسخی چند پیش می آید، همین که بنای پیش قدمی را گذارد (بقیه در صفحه ۲۱ همین شماره)

عذر بدتر از گناه

(۴ محرم ۷ فروردی)

سر عسکر عثمانی که (ساوجبلاغ) را منصرف شده تلگرافاً در بیگناهی خود اظهار میدارد که قبضه (ساوجبلاغ) بفرض نملک نبوده، بلکه بواسطه شکافی بوده است که رعایای سفی المذهب آنجا نموده که

اگراد شیعه شهر و بلوکات بر آنها ابدا رسانیده بودند، سر عسکر عثمانی را حکم شده که فوراً بمرحد خود عودت نماید

جبل المتین

این خبر ظاهر مدارد که عثمانی عذر بدتر از گناه آورده مناقشات مذهبی را در معاملات سیاسی مخلوط می خواهد نماید، اگر چنین است موقع خوبی برای ایرانم پیدا شده که در خاک عثمانی ماسم معلومیت شیبیان هر گونه تصرفی نخواهد به نماید، علاوه بر این عثمانی ها بر خلاف ایرانیان میخواهند این مناقشة بلبکی را مذهبی قرار دهند، ولی باید دانست که از مذاکرات مذهبی هم مشکل است عثمانیان طرفی برینند

جذبش آرامنه عثمانی

در (وان) بین قشون عثمانی و آرامنه زد و خوردی شده قشون عثمانی بر آنها شلیک کرده، آنها نیز نارنجک چند قشون برتاب کرده، از طرفین جبهی محروح شده اند از تلگراف بعد ظاهر می شود که قشون عثمانی در (وان) سه هزار تفنگ و سیصد هزار فشنگ و نارنجک و سایر مواد ناریه از ذخائر آرامنه بدست آورده، و گویا این انقلاب بدین آسانی رفع نخواهد گردید، خصوصاً اگر میدان جنگ بین ایران و عثمانی یا روس و عثمانی آراسته گردد

جبل المتین

از مسلمات اولیه است سدماتیرا که آرامنه از عثمانیان دیده و هماره می یکنند هرگز فراموش نخواهند نمود، همین قدر که عثمانی از روس مشغول بخود شود آرامنه هم سر بشورش خواهند زد، اگر آرامنه از طرف ایران اطمینان یابند در قلیل زمان متصرفات آسیای کوچک عثمانی را از قبضه وی خارج نمایند

شارلتنای تازه

(۸ محرم - ۱۲ فروردی)

رسماً اعلان شده که قشون عثمانی (سواجیلاغ) را تخفیه نمود (و ضمناً درین تلگراف اشاره شده) که تخفیه سواجیلاغ از مساعی جبهه و کوشش سفیر ایران بوقوع پیوسته است

از تلگراف ثانوی چنان ظاهر می شود که دولت علیه ایران خواهش بابهالی را موقتاً در بقای ارفع الدوله

بسمارت قبول نموده است

جبل المتین

گویا برای شارلتنای و کلفتی پوست هیچ حدی معین نباشد، که در رفع اتهام از خود این گونه تلگرافات اشاعت میدهند، و اقدامات مجذاه و تهدیدات - فرای دول را به بابهالی و تدارکات جنگی ایرانیان را درین مورد که طالبی را برگرد، حالا سفیر کبیر ما میخواهد باین سخنان بجهول نام را باسم خود تمام کند

همین قدر اگر ایشان بیان کنند که در مجبوحه این هیاهو ایشان کجا بودند و کدام مأموریت را بجای می آورند مطالب واضح خواهد گردید، با این همه گویا بر احدی پوشیده نباشد که هر کس میتواند بذریعه مخبران روزی هر عنوانی را بجهول خود مشهر سازد خصوصاً اگر از مابیه گذشتن چند ایره هم مضایقه شود و خارج از رسمیت باشد، خوب است سفیر کبیر ما بعد از این همه رسوائی دست از این گوه شارلتنای ها بردارد که بهیچ وجه کفاره گناهان وی نخواهد گردید اینک که هیئت وزرا بهر ملاحظه که بود او را بسمارت برقرار داشتند، ولی این تقرر موقتی است و این مصاحبت بینی وزرا کفاره گناهان نیست بلکه ازین و بعد ملت و دولت شمارا محل اطمینان خود قرار نتوانند داد، و گویا این حمایت هم از مرکز در صله خرابیهای سرحدی بشها شده است

تصدیق ترك تازی عثمانی

۱۰ محرم - ۱۲ فروردی

سر ادورد گری وزیر خارجه انگلیس در پارلمنت انگلستان من باب سرحد ایران و عثمانی اطلاق داده که خلاصه آن این است در مناقشات سرحدی ایران و عثمانی دولت انگلیس بی خیال نیست با اینکه عثمانی را خیلی فهمانیده هنوز از خطرات خویش باز نیامده است، و تاکنون قشون عثمانی قابض بر قطعات جلد از خاک ایران میباشد

جبل المتین

نطق سر ادورد گری وزیر خارجه انگلستان که در مناقشات سرحدی ایران و عثمانی یکی از حکمین است فیصله کبسیون را بجانب ایران تصریح نموده و ثابت

کرده است که زیادتى از عثمانى میباشد ، و تاکنون بد
 خاصه اودر خاک ایران دراز میباشد دولت عثمانى بر جميع
 عالم زیانى خود را ظاهر نمود و تمام مسلمانان دنیا ثابت
 شد که عثمانى پس حدود الامیت را نگاه نداشته و
 از روی حرص و آز درین املاک عظیم دیدان طمع
 بر غصب قطعات خاک ایران نیز نموده دیگر ایرانیان را
 چه افتاده که به پاس اسلامیت تاکنون ساکت مانده و
 یا منت دفاع دیدانهای خصم را درم خود نمی نمایند
 امروز از روی شرع و عقل بر ایرانیان دفاع از
 خصم خادع واجب ، و ترکش بر آنها حرام است ، سکوت
 ایرانیان به پاس حرمت اسلام خطاست و مرعوب چند
 دسته اکراد که شامل قشون عثمانى شده و این انقلابات
 را پیش آورده اند غلط صرف است چه هر کس پیش
 تر رسید زود تر مرگ ناو رسیده ، با این مرعوبیت
 و واسطه انگیزی حیات ملی ایران محال در محال
 است باقی بماند ، حالت هشونی عثمانى خطی از شاه بد
 تر است ، او رو فزوال است شاه رو به ترقی ، او را
 تکلیت دامن گیر شده شاه را اقبال استقبال نموده ،
 دور کنبد از خود مرعوبیت منحوس را که از يك
 قرن این طرف شاه را ذلیل و زبون نموده ، و ترك
 کلید واسطه انگیزی که مایه رسوخ و نفوذ اجاب در
 دربار بلکه در محکمت شامت ، حال اندرونی عثمانى
 نگفته ، است ، قشون او را گریزگی قادر بختک مقابل
 و در مقابل صرهای بی تربیت ایستادگی نمیتواند نمود
 خوب است رجال دولت علیه از حالات اندرونی عثمانى
 بذرایع صحیحه واقف شوند ، عثمانى از عهد شیخ
 مدینه که چند فرسخی نصره است بر نمی آید ، وجهی
 قشون خود را در اطاعت آوردن آنها بر یاد داد و
 میدهد ، سرکنی اکراد بار کمر و دست عثمانى از آنها
 که گندش ظلمی را بر کرده آیا هنوز بدماغ تمام رجال
 ایران نرسیده ، دولت عثمانى مانده سال در شیب
 اضمحلال سرا زیر شده ، بقا و استغلاش محال اندر
 محال است ، عنقریب دیده خواهد شد که رخت خود
 را از اروپا بکشد ، و شریف مکه باسم امیر حجاز خود
 سر شود ، و اقتضار حافظ الحرمین از او مرتفع شود
 و طرفین ضرب را دولت ایطالی به بامد ، و پروسیا
 علم استدلال دو شامات بگوید ، و ارمانه خود را از زیر

نبیت او خارج نمایند

ایرانیان باید بدانند عثمانى کاملاً زور بازویی
 خود را نمود ، و زیاد بر آنچه در سرحد خود از او
 سلطه نمود ، و درین نوبت داشت ، از با یزید گرفته
 تا برسد بخرابج فارس سرحد ما و عثمانى امتداد است جز
 در سرحد آذربایجان که آنها عثمانىها بواسطه اکراد
 قوتی دارند و بیشتر مرکز طغیان تاریخی عثمانى هم
 بواسطه هم مذهبیان خود در آنجا بوده ، در هیچ نقطه
 یا ما به نمیتواند نمود

چرا نباید ایرانیان نظر بقواصی سرحدی خود
 در عراق ضرب نمایند ، ایرانیان از روی مناسبات
 طبیعی در قبیل زمان میتوانند دوست هزار قشون
 جرار از پیاده و سواره در عراق ضرب حاضر نمایند
 چرا نباید دولت ایران مانند عثمانى که در خاک ما از هم
 مذهبیان خود فائده حاصل میکنند در عراق ضرب فائده
 حاصل نماید

امروز وقتیست که ایران از قوای روحانی خود
 در عراق ضرب فائده حاصل نماید ، من با آواز بلند میگویم
 که عراق ضرب و مالک آسیای کوچک عثمانى متمم ایرانست
 و بهترین مواقع برای ایران در تصرف عراق ضرب
 امروز است ، چه ایرانیان بواسطه دیانت شعاری و
 محاببت فطری و درست قولی هرگز رضا نمیدهند
 بنسبت انحوت اسلامی و جامعه اسلامیت بر مخالف
 عثمانى حمله نمایند ، اینک عثمانى تخطی خود را بر طالبان
 روشن نمود ابتدا از ما نشده و شرعاً و عقلاً الزامی
 بر ما وارد نیست

امروز دولت ایران در احقاق حق خود از این
 همسایه خادع هر اقدامی نماید عقلاً و شرعاً ملوم
 نخواهد بود ، و اسلام کنی عثمانیان بر جميع عالم مبرهن
 گردید ، تمام جرائد اسلامی و غیر اسلامی به سرزنش
 و توبیخ عثمانى هم قلم اند ، عثمانى چون خود را در شرف
 اضمحلال دیده از تنگ حوصله کی سعی است ایران
 را که تازه پای بمیدان ترقی نهاده از حرکت باز دارد
 بر طالبان روشن است بغداد يك محله از مدائن
 یعنی بیرون شهر مدائن بوده که پای تخت ساسانیان
 بود و طاق کسری با آواز بلند بایرانیست خود قسم یاد
 می نماید ، علاوه بر این عراق ضرب مرکز روحانی و

معبده گاه بزرگ ایرانیان است آبادی و جمیع تعمیرات آنرا ایرانیان نموده اند، و آبادی آن از هر حیث بواسطه ایرانی هاست، و رطابای ایران در شهرهای عراق - غلبه بر رطابای عثمانی دارد حقوق نجاشی و سیاق و رریقی ما بر عراق عرب مسلم است، و سالی بچاه کروور ثروت ایران از هر سمت درین خاک و بد می شود، و هر ایرانی فرض است که در قبضه عراق عرب از مال و جان دریغ ندارد، و بهترین موقع برای ایران امروز است، که عثمانی تجاوز بحدود او نموده است، ادبای و شعرای ایران راست که این نکته سیاسی را بزبان ساده و شیرین در قلوب ایرانیان جای دهند، و درست بانها حالی کنند که عراق عرب متمم ایران است، و هر ایرانی غیور لازم است که این قطعه از خاک پاک وطن را از غنصاب بیرون آورد، مصنفین ما راست که باده تاریخی این مسئله را بر طالبان به نمایند، معلمین ایران راست که در تعلیم تاریخ ماطفال عراق عرب را در جغرافیای ایران شامل دانسته، ماطفال خورد سال تعلیم دهند، و بکلمات مؤثر قلوب آنها را جلب نموده متاثر سازند، و در جزء خاریطه ایران که عراق عرب را به کشفه دورش را سبب نموده اطفال را بفضیلتش منکر نمایند - سیاستپوز ایران ازین نکته نباید غافل باشند ~~که~~ عنقریب در مسئله عراق عرب دو جا مشکلات بزرگ تر خواهند شد، یعنی دبری نخواهد کشید که عثمانی بین دول تقسیم خواهد گردید، حصه خلیج عراق عرب را انگلستان راجع بخود خواهد داشت، و ممالک خشکی آرا آلمان بملکیت راه آهن طویش تصرف مالکانه خواهد کرد، از نطق وزیر خارجه آلمان بخوبی ظاهر است که امتیاز از عثمانی گرفته که راه آهن خود را به آسیای کوچک و ارمنستان هم برساند، در آن صورت ظاهر است که همسایه ما بجای عثمانی انگلیس و آلمان قرار خواهند گرفت، در آن حال احقاق حقوق ایرانیان در عراق عرب مشکل و هفتصد میل سرحد ایران هماره در خطر خواهد بود، و همواره دو جا کره رقصای اروپاییان خواهم شد، روس جز بک امتیاز راه آهنی در منجوریا نداشت که در سایه آن اداره یلیدین تمام چین را نمود، معلوم نیست که قوت آلمان از روس کمر و عثمانی از چین بهتر باشد آنوقت باید

ایران ژبون وسط آسیا شود تا آلمان را بجای خود به نشاند، با این همه علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، امروز ما ملک حبش ملی، کمال جلالت میتوانیم دماغ عثمانیها را محک مالده حقوق خودمان را از او حاصل نمایم، فردا که دست آلمان و انگلیس بروی عراق عرب و آسیای که بک گذرده شد، احقاق حق مابسیار دشوار خواهد گردید، یعنی باید تری که ژبون دید دیده، چنانچه اوردس را ز منجوریا خارج کرد ما آلمان را در عراق عرب خاج نمایم شاید این مدلات به نظر بعضی موط لست عزیز که آشنا بسیاسیات نیستند و در روش پنبکی دول غور نمی نمایند ظنیات اخبار نگاری تصور شود، ولی اگر درست در نکات سیاسیة نطق وزارت خارجه آلمان دقت شود که میفرماید (شرایط اقوام و ملل سائره را در راه آهن بغداد نا جائز که راه آهن آلمان گفته شود طارا عذری نیست) این بعینه نطقی است که وزیر خارجه روس درباره راه آهن منجوریا داد،

باری ایرانیان نباید درین نکات غافل مانند، و این موقع را که برای آنها ز غم است از دست بدهند، حالا دیگر طشت تعدی و تجاوز عثمانی از نام افتاده منازعات عشائری نمیتوان گفت، کوس تصرفات بناحق عثمانی را در پارلمهای ملل دیگر اعضای رسمیه بزنند، با این زیادتیهایی بشه سکوت ایران را جز بر مرعوبیت حمل بر هیچ نتوان نمود، و طابقت همین نکته سبب جرئت و جسارت همسایگان دیگر ما خواهد شد، ازین و بعد تا وقتی که احقاق حقوق ما از عثمانی شود هیچ وجه نباید نزاکت بین الدولی را با عثمانی ملاحظه نمود، اینها ترك طینت و لحن طبیعت اند و ابدای معنی نزاکت نمی فهمند، امیدوارم ارباب حل و عقد ایران درین موضوع پیش از پیش دقت نموده نگذارند این موقع اهم از دستشان بر یگان خارج شود، که طابقت جز کف افسوس سودن سودی نخواهم برد

مکتوبیت که جماعتی از زرتشتیان

باده فرستاده اند

مدیر جبل المین بانزده سال است شما داد وطن خواهی ما طایفه بخت بد برگشته زرتشتیان را داده اید